

به بهانه فساد مالی ۱۲ هزار میلیاردی، نگاهی  
داشتیم به بزرگترین فسادهای مالی در جهان و ایران

# چند تا صفر داره؟!





## محرمانه مستقیم

یادداشت هفته

## اینترنت موبایل و داستان يك ظالمانه آرام

وجه مشترک همه کسانی که از کشور خارج می‌شوند تعریف از کیفیت و سرعت و فراگیری اینترنت است و گویا این خارج هر خارجی که باشد (!) وضعیت اینترنتش خوب است و از ما بهتر. این که تا سرویس‌های بهداشتی هم به اینترنتی مجهز است که صد برابر خدماتش از اینترنت داخلی ما بهتر است! این که تمام عقده‌های اینترنتی‌شان را یکجا در فرودگاه داند و کرده‌اند تا رفته‌شده سفرشان باشد!

موضوع اینترنت در کشور ما از آن دست موضوعات اعصاب خردکنی است که تا کنون مسئولان هیچ علایمی برایش نداشته‌اند. دست بر قضا احساس می‌شود کلا

رویکرد مسئولان هم این است که به این تکنولوژی ارتباطی هر طور که دوست دارند روی اعصاب خرد و خاکشیر ملت اسکی کنند. یک روز برخورد لنکر در اقیانوس، یک روز گرانی تعرفه‌ها، یک روز وعده‌های بیجا و سرکاری افزایش پهنای باند و حالا هم بحث افزایش بسته‌های اپراتور دوم کشور به بهانه

تغییر تعرفه آزاد اینترنت موبایل!

اگر در جریان تغییرات اینترنت موبایل قرار گرفته باشید، خود اصل ماجرا به خودی خود خبر دردناک و لاج درآور است. در حالی که قرار بود از اول دی ماه تعرفه استفاده آزاد از اینترنت موبایل هر کیلو بابت به نیم ریال برای سیم‌کارت‌های دائمی و ۰.۷۵ ریال برای سیم‌کارت‌های اعتباری کاهش یابد، همزمان با اعمال این کاهش تعرفه، اپراتور دوم تلفن همراه (ایرانسل) تعرفه بسته‌های اینترنت خود را افزایش داد و به همین راحتی از آب گل‌آلود ماهی گرفت. البته این تمام ماجرا نیست محمود واعظی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم واکنش شدید اللحی (!) به این تغییرات داشت و گفت: «دو اپراتور دیگر تغییری در نرخ بسته‌های خود نداشته‌اند و مشتریان می‌توانند براساس نرخ‌ها اپراتور خود را انتخاب کنند». به همین راحتی! اصلا هم مهم نیست چند میلیون نفر در این کشور خط این اپراتور را دارند، یا آن کار می‌کنند و شماره‌شان را به دوست و آشنا داده‌اند. در این بین کسی هم نیست که بگوید ماجرای کاهش تعرفه‌ها برای استفاده آزاد اینترنت موبایل بوده است، این گرانی بسته‌ها ربطش به آن موضوع چیست؟! کسی نیست تا بگوید پرداخت ۱۰ هزار تومان برای استفاده تنها ۲۰ مگا بایت اینترنت موبایل (که از ضرب و تقسیم اعداد در تعرفه اعلام شده به دست می‌آید) نه تنها منصفانه نیست بلکه ظالمانه است!

دیدهایم این طرف و آن طرف، یا برای خودمان اتفاق افتاده است که وقتی مشترک تلفن همراه نسبت به تمدید بسته خود دچار فراموشی می‌شود، چه هزینه‌های سنگینی دریافت می‌شود که به هیچ وجه با رضایت مصرف‌کننده نیست. اگر مشترک از خدمات اعتباری استفاده کند که در صدمه‌های ثانیه شارژش تمام است اما شرایط بدتر برای مشترکان ثابتی است که در پایان دو ماه با قبض عجیب و کذایی روبرو می‌شوند! اگر این موضوع را یک دورزدن ساده اما شیک ندانیم اسمش را چه می‌شود گذاشت؟! به نظرم خیلی واضح است که ما در عصری زندگی می‌کنیم که نیاز به اینترنت مثل نیاز به آب و غذاست. چه بسیار افرادی که این روزها کارشان بسته به اینترنت است و برای گذران زندگی نیازمند آن هستند. اگر قرار است در اقله‌های چندین و چند ساله ما پیشرفتی در کشور داشته باشیم باید از امروز فکری به حال اینترنت بکنیم. این فاجعه است که با فراقتی و دادن وعده‌های بیجا مردم را سرکار بگذاریم و نسبت به این هزینه‌های کذایی به ازای خدمات ضعیف بی‌تفاوت باشیم. قرار بود رقابت بین بخش خصوصی و بخش دولتی فرصتی باشد برای رشد، بالا رفتن کیفیت و خدمات، نه فرصتی برای دورزدن مشترک بی‌گناه!

## خوش و بش هفته

رشد اقتصادی با سرعت نور

با عرض سلام خدمت دوستان و خوانندگان عزیزتر از جان از هر رنگ و نژاد و قوم و قبیله‌ای البته از نوع لطیف بانوان... طی خبرهای واصله، بانک مرکزی عدد رشد اقتصادی شش ماه اول سال ۱۳۹۳ را ۴ درصد اعلام کرد. حالا بماند که پیش از این رئیس‌جمهور اعلام کرده بود تا پایان سال ۹۳ رشد اقتصادی کشور به رقم ۳/۵ درصد می‌رسد. و بماند که رئیس کل بانک مرکزی نیز در اظهارنظری جداگانه رقم رشد اقتصادی تا پایان امسال را ۳ درصد اعلام کرده بود و اصلا بی‌خیال که برنامه پنج‌توسعه نرخ رشد متوسط اقتصاد ایران را ۸ درصد در نظر گرفته بود.

حالا ان شاء... که دوستان درست می‌فرمایند ولی ما نمی‌دانیم چطور است که ما با این همه بی‌کاری و رکود ۴ درصد رشد کردیم اما بنده خدا چین با آن رشد اقتصادی ۷/۴ درصدی و آن همه صادرات و کار و تلاش ۳/۰ درصد کاهش رشد داشته است.

پس باید کلی به خودمان و مدیرانمان افتخار کنیم و مطمئن باشیم تا سال ۲۰۲۵ اگر مثل چین نتوانیم ۱۰ شهر بزرگ مثل نیویورک احداث کنیم با این رشد اقتصادی حتما پنج تا و نصفی‌اش را احداث خواهیم کرد، ما که پیشنهاد می‌کنیم ۲-۳ تا از این مدیران کار درست خودمان را به چین صادر کنیم تا به عوض پسرقت، آن‌ها هم مثل ما پیشرفت کنند.

مهديه جوادى

m.javadi@jeemir

مریم غلامزاده

m.gholamzade@jeemir

## فتو چاپ

در بیست و یکمین نمایشگاه چاپ و بسته‌بندی، باز هم made in china می‌درخشید!



بقیه غرفه‌ها هم که محصولات چینی دارن! فکر کنم made in china رو باید سر در نمایشگاه می‌زدن!

## مشاوره‌چی هفته

جوجویی یه گل بز عمو ببینه!

■ سوسول‌زاده‌اصل: آقای مشاوره‌چی الان یعنی چه که امیر قلعه‌نویی (سررمبی استقلال) درباره برخورد بهتر با بازیکنان گفته: «نمی‌توانم به بازیکنی که «خدا تومان» پول می‌گیرد و خوب بازی نمی‌کند بگویم عزیزم قربانت بروم، اشکالی ندارد». لطفا بنده را روشن کنید که باید به این بازیکن چه گفت؟! ■ مشاوره‌چی: خب دل‌بندم وقتی کسی خیلی پول می‌گیرد، روحیه‌اش لطیف می‌شود و تازه با عزیزم، قربانت بروم هم ناراحت می‌شود. باید بفهماید «جوجویی، عجیجیم، عجمم، چی شده؟ یه گل بز عمو ببینه!» شاید افاقه کند.

■ یک سرباز فراری بی‌کار: آقای مشاوره‌چی الان چند روزی است که دیگر نمی‌توانم مفت مفت در خانه بابایم بچرم و عشق و حال دنیا بنمایم؟! یک حس عجیبی ته دلم را می‌خالی می‌کند: مشکل چیست؟

■ مشاوره‌چی: فراری بی‌کار و علاف عزیز! به حس دلت اعتماد کن! چون منصور حقیقت‌پور (رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس) گفته «به دنبال پیشنهاد حذف یارانه یک و نیم میلیون سرباز فراری در لایحه بودجه ۹۴ به دولت هستیم». دو روز دیگر که بابت آن تن گرمایات، هیچ پولی گیر پدتر نیامد با تپیا از خانه پرت می‌کند بیرون که بروی خدمت. به عبارت دیگر تا چند وقت دیگر، شما برای خانواده‌تان صرفه اقتصادی ندار!

## علی اصغر فانی

وزیر آموزش و پرورش



علی اصغر فانی: ..... از مشکلات اصلی آموزش و پرورش است.

- الف) پول‌کندن از پدران خسیس دانش‌آموزان
- ب) تنبیه بدنی، جعل مدرک و سوء استفاده مالی برخی از مدیران مدارس
- ج) بخاری
- د) سه ماه تعطیلی

محمد فرهادی  
(وزیر علوم، تحقیقات و فناوری) ۸۰۰ هزار صدلی خالی در دانشگاه‌ها وجود دارد.



## ۳



رئیس‌جمهور

حسن روحانی

حسن روحانی: نخبگان باید ..... باشند.

- الف) هر روز دنبال کار
- ب) بچه‌های خوبی
- ج) طراح برنامه‌ها
- د) نخبه





## حکایت هفته

اندر احوالات ابو جارجی و مریدان

### اندر حکایت ابو جارجی و مشکل سلامت

روزی مریدان نزد ابو جارجی این جیب خراسانی آمدند تا سوالی بپرسند ولی ابو جارجی هیچ یک را به خانه راه نداد و تا چهل روز مریدان هر روز بر در خانه بیرون حاضر گشتند و از ورود نمی گرفتند. تا در آخر یکی از مریدان از این اوضاع به تگ آمده به استادان در وایس ریاضی بفرستاد که ای پسر فرزانه موفقی نبوی! تو را چه گشته که ما را چنین خار بکری و به منزل خوش راه نمی دهی؟ و از این شکلهای ناراحت و دیرین بسیار فرستاد و تا چهل شب شکلهای فرستاد و هیچ افاقه نکرد تا این که شب چهارم استادان پیام فرستاد که «(هستی!) و شاگرد عرضه داشت: «(آری یا ختن)» و این جیب گفت: «(لهم براتون تگ شده)» و مرید شکلهای تعجب فرستاد و همچنین شکلهای دهن گشاد فرستاد و «(داشتم این رفتار پسد استادان گفت: «(داشتم کلاس می گذاشتم تا ستون انگ شوق پر شو؛ حالا سواالت را بپرس)» مریدان با خواندن این کامنت انگ شوق ریختند و شکر به جای آوردند و پرسیدند: یا پسر! یعنی چه که استادان علی ربیعی (وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی) گفتند: «(مشکلات سلامت با پاشیدن پول حل نمی شود)» پس نا درنگی کرد و گفت: خب باید فرهنگ سلامت در بین ما جا بیفتد. پس کیسهای زرار جیب بیرون آورد و بر سر مریدان ریخت و گفت: مثلاً اینجوری مشکل سلامت شما حل شده؟! لیکن چون چشم به دور و بر گرداند حتی یکی از اسکاناسها و مریدان را مکتوب همستند و این از کرامات میدان بود.

## جوابیه هفته

علی لاریجانی (رئیس مجلس) در پاسخ به سوالی در مورد این که آیا اوقاتی را به ورزش اختصاص می دهد؟ گفت: من هفته ای یک روز به کوه می روم و اخبار مربوط به ورزش را هم پیگیری می کنم و در مواقع لازم پیام تبریک می فرستم.

جوابیه: دور از جان، یک عده ای هم هستند هفته ای یک بار به کوه می روند اشغال می ریزند و اخبار ورزش و تبریکهای احتمالی شما را هم پیگیری می کنند.

علی کفاشیان (رئیس فدراسیون فوتبال) در پاسخ به این سوال که ظاهراً مجمع فوتبال می خواسته او را برکنار کند گفت: چه کسی جرات دارد من را برکنار کند؟

جوابیه: رستم دستان؟ غول سپید؟ خب یک راهنمایی کنید لطفاً! توی جیب جا می شه؟ آرنولده؟ مرد عنکبوتی؟ ۲؟ بتمنه؟ یه راهنمایی دیگه لطفاً! جان داره؟ روی کره زمین هست؟ غول چراغ جادویه؟ اصلاً چه سوال سختی بود من نمی دونم!

هدایت حسینی (مدیرکل نظارت و ارزیابی فرآورده های خوراکی سازمان غذا و دارو) درباره خمیر مرغ گفت: در واقع تولید این محصول به وزارت بهداشت هیچ ارتباطی نداشته و هیچ گاه درباره تولید آن اظهار نظر نخواهد کرد، اما مسئولان بهداشت و درمان با جدیت نظارت بر مواد اولیه فرآورده های گوشتی را پیگیری خواهند کرد.

جوابیه: حالا ما آخرش نفهمیدیم چی شد! ولی از قدیم گفتن به کاری که کار نداری به تو مربوط نیست.

## حجت الاسلام سید محمود علوی وزیر اطلاعات



حجت الاسلام سید محمود علوی: دولت تدبیر و امید در

پی تامین ..... همه اقشار مردم است.

الف) امنیت همگانی برای

ب) کسر بودجه خود از جیب

ج) یارانه

د) سوژه خنده



۲

در دیدار دکتر ظریف با معاون وزیر امور خارجه چین، بحث به جاهای باریک کشید!

عکس و متن پیشنهادی خود را به این نشانی ارسال کنید

مجید حسین زاده

m.hosseinzadeh@jeemir



جالبه! اون حرفای زنونه بوده شما جدی نگیرین!

می بینم که غرفه دارتون تو نمایشگاه چاپ و بسته بندی زیادی صحبت کردن...

## در شهر هفته

با خواندن جرایدی که به بررسی لایحه بودجه سال آینده پرداخته بودند، در یکی از بندهای درآمدی، متوجه افزایش شدیم که به شدت عجیب است؛ افزایش بیش از ۳۷ درصدی درآمد دولت از جرایم رانندگی به نسبت سال جاری! یعنی با توجه به وجود ۱۴ میلیون خودرو، هر راننده به طور متوسط باید ۱۵۰ هزار تومان جریمه شود و آن را بپردازد تا بودجه مورد نظر تامین شود. خبرنگار اعزامی جیم هم به میان مردم رفته تا نظر آن ها را در مورد این راهکار مدیران دولت در جهت جبران کسری بودجه جویا شود؟

بی ماشین زاده: به هر کسی ماشین دارد بگویند سه تا یارانه اش را بیاورد بدهد به دولت، تا هم کسری بودجه تامین شود هم یادش باشد عین آدم رانندگی کند که بیشتر از این جریمه نشود.

بی زبان زاده: دوشواری نداریم؛ فقط عنایت بفرمایید تعداد ماموران را زیاد کنید که صف جریمه ها طولانی، وقت راننده ها گرفته نشود، روحانی مچکریم.

آقای همساده: آقا ما پارسال به ماشین استوندم به بیست میلیون که عصای دستمون باشه، امسال هم ماشینو رو با رختوی برمون و کفشای پامون دادیم برا قبضای جریمه. تازه وقتی این خبر رو شنیدم، جوگیر شدم، گفتم حالا که من ماشین ندارم بیام یکی از کلیه هامو بفروشم، پولشو بدم این بودجه دولتی تامین بشه، هیچی دیگه توی اتاق عمل دکتر دیده هنوز بودجه دولت کسری داره، هر چی توی شکم ما بوده رو درآورده حراج کرده و خلاصه کسری بودجه رفع شده، البته الان خیلی خوشحالم ولی باور کن له لیم ها یعنی داغون داغونم!

## محمد نهاوندیان: رشد اقتصادی ۴ درصدی در شش ماه نخست سال ۹۳، حاصل ... است.

محمد نهاوندیان: رشد اقتصادی ۴ درصدی در شش ماه

نخست سال ۹۳، حاصل ..... است.

الف) توهم بانک مرکزی

ب) تحقق اقتصاد مقاومتی

ج) گرانی گوجه

د) تدبیر و امید



## رئیس دفتر رئیس جمهوری محمد نهاوندیان





چندتایشان را از برزیل آورده‌اند. آن یکی که از همه خوش‌رنگ و لعاب‌تر است، از استرالیا. بعضی‌ها هم تمام گذشته و هویت‌شان در چارچوب یک قفس معنا شده و مهر قفسی بودن از همان ابتدا روی پیشانی‌شان خورده است. برای هرکدامشان هم می‌توان آینده‌ای را ترسیم کرد. مرغ عشقی که در دست یک پسرک فال‌فروش، فالگیر می‌شود، طوطی سخنگویی که تمام هنرش می‌شود خنداندن اهالی یک خانه و... همه این‌ها افکاری هستند که در بدو ورود به یک پرندفروشی و با دیدن اولین صحنه‌ها در ذهن شکل می‌گیرند. سرگذشت‌های متفاوتی که همه به نوعی شبیه به هم هستند. دنیایی که از حجم یک قفس فراتر نمی‌رود. بال‌هایی که هیچ‌گاه گشوده نمی‌شود و پرنده‌ای که بدون هیچ گناهی محکوم به حبس ابد خواهد بود.

### گشتی در راسته حقیقی پرند فروش‌ها

اگر به یک پرندفروشی پا بگذارید، احتمالاً اولین صدایی که می‌شنوید، سمفونی درهم و برهم جیک‌جیک و چهچهه است. آواز قناری‌ها گوش‌نوازترین صدای ممکن به نظر می‌آید اما اگر علت نگهداری هرکدامشان را در یک قفس جداگانه، از فروشنده جویا شوید و بدانید که قناری‌ها فقط در تنهایی و دوری از جفت‌شان آواز می‌خوانند، احتمالاً گوش‌تان را نه تنها نوازش نمی‌دهد، بلکه قلبتان را هم به درد می‌آورد! البته بخش عمده‌ای از قیمت‌گذاری بر روی قناری‌ها هم به همین آواز و صدای خوش پرند مربوط است. فنچ‌ها و مرغ‌عشق‌ها کم‌ترین قیمت‌ها را دارند و بعد از آن قناری‌ها. طوطی‌های سخنگو هم بالای یک میلیون تومان برای جیب‌تان خرج می‌دارند.

سجریکو عقیده

info@jeemir

به یک آگهی مبنی بر فروش پرندگان گوش‌خوار برمی‌خورم و با فروشنده تماس می‌گیرم و می‌گویم که کم‌یاب‌ترین گونه جغد در ایران را می‌خواهم

### طوطی هفت میلیون تومانی!

در همین پرس و جوا به طوطی بزرگ جثه‌ای برمی‌خورم که رکورد قیمت‌ها را می‌شکند. هفت میلیون ناقابل! ساکت و آرام در بزرگ‌ترین قفس یک پرندفروشی نشسته است. نظیرش را فقط می‌توان در مستندهای جنگل‌های آمازون و در قاب تلویزیون دید که بال می‌گشاید و از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پرد، اما حالا هزاران کیلومتر دورتر از زادگاهش، در قفسی که به اندازه باز کردن بال‌هایش هم جا ندارد، عجیب توی ذوق می‌زند. فروشنده تا می‌بیند آن طوطی چشمم را گرفته، در قفس را باز می‌کند و طوطی هم بدون مکث بیرون می‌پرد و بالای قفس می‌نشیند. فروشنده با آب و تاب از نژاد خویش و این‌که می‌تواند چند کلمه‌ای را تکرار کند، می‌گوید و ... ناگهان طوطی که تا آن لحظه ساکت نشسته بود، جیغ بلندی می‌کشد و باعث ترس همه حاضران در پرندفروشی می‌شود. فروشنده هم صدایش را بلند می‌کند و با چهره‌ای درهم کشیده به او دستور می‌دهد که به داخل قفس برگردد. طوطی هم سرش را پایین می‌اندازد و با سرعتی حاکی از ترس به داخل قفس می‌جهد.

### خوبم، خوبم، خوبم!

به آرامی در بین قفس‌ها راه می‌روم. با لذت به پرنده‌های نگاه می‌کنم، صدای بم خود را نازک می‌کنم و مثل یک پدر واقعی پرنده‌هایش را قناری بابا، کاسکوی بابا و... خطاب می‌کنم. بعضی‌ها هم که به نظر عزیز و دردانه‌تر هستند، برای خودشان

اسم به خصوصی دارند و آن (بابا) هم به دنبال اسم‌شان با غلظت بیشتری ادا می‌شود. با دیدن این پرندفروش متفاوت تصمیم می‌گیرم که گفت‌وگویی با او داشته باشم. جواد آقا بیش از ۳۰ سال است که در کار خرید و فروش پرند است. از او می‌خواهم که داستان پرندفروشی شدنش را تعریف کند: علاقه من به پرنده‌ها از دیدن یک پرندفروشی در راه مدرسه‌ام ایجاد شد. هرروز چند دقیقه‌ای آن‌جا می‌ایستادم و آرزو داشتم یکی از آن پرنده‌ها مال من باشد. کم‌کم پول‌هایم را جمع کردم و توانستم یک قناری برای خودم بخرم. مدتی بعد هم یک جفت برایش خریدم. به مرور زمان پرنده‌های من بیشتر شدند و

در نگهداری آن‌ها مهارت پیدا کردم. این شغل هم، حاصل همان علاقه‌ای است که از کودکی به پرنده‌ها داشتم.

در حین گفت‌وگو متوجه رفتار عجیب یک طوطی کاسکو می‌شوم. ساکت و گوشه‌گیر در گوشه قفس نشسته است و هر از گاهی با نوکش ظرف غذایش را محکم فشار می‌دهد. به طوطی اشاره می‌کنم و علت این رفتار را از جواد آقا می‌پرسم. می‌گوید: عصبی شده است! پرنده‌هایی که جفت نداشته باشند افسرده می‌شوند، جفت‌گیری این گونه پرنده‌ها هم در قفس امکان‌پذیر نیست.

بعد به طوطی نگاه می‌کند و با همان لحن پدرا نه می‌گوید: چی شده بابا؟ چرا ناراحتی؟ طوطی هم بی‌توجه سرش را پایین می‌اندازد و دوباره ظرف غذایش را فشار می‌دهد.

می‌پرسم تا به حال بابت زندانی کردن این پرنده‌ها عذاب وجدان گرفته‌اید؟ کمی جا می‌خورد و می‌گوید اگر پرنده‌ای را بیاورند که خیلی بی‌تابی کند و خودش را به در و دیوار قفس بکوبد، قبل از این که تلف شود قطعاً آزادش می‌کنم، حتی اگر پول گزافی را از دست بدهم اما بیشتر پرنده‌هایم قفسی هستند، بیرون از قفس چند روزی بیشتر دوام نمی‌آورند و می‌میرند. می‌گویم از همان ابتدا که قفسی نبوده‌اند، بالاخره مادر و پدر هر کدامشان روزی به دام افتاده‌اند و جوجه‌هایشان شده‌اند قفسی! دوباره لبخندی می‌زند. این بار با مکث می‌گوید: من دیگر عادت کرده‌ام. کارم و شغلم همین است. بپراه هم نمی‌گوید. همه آن پرنده‌ها هم عادت کرده‌اند شاید. آن

گزارشی از دزد





## شکارچی و پاسخ به یک سوال سخت

بدون شک بارزترین ویژگی او در ذهن همه، علاقه به پرنده‌ها و شکار آن‌ها است. این خصوصیت، زمانی در ذهنم پررنگ‌تر شد که برای گشت‌وگذار به خارج از شهر رفته بودیم و او با مهارت کامل بال یک گنجشک در حال پرواز را با یک سنگ نشانه گرفت، گنجشک روی زمین افتاد، آن را برداشت و در جیبش گذاشت تا به کلکسیون پرنده‌هایش ملحق شود. اما گنجشک از ترس، در راه جان داد و تلف شد.

چندسالی می‌شود که مجوز شکارش را هم گرفته و به هر کوه و دشت و دمنی که پا می‌گذارد گوشش را تیز می‌کند برای شنیدن صدای پرنده و شکار آن. گفت و گوی من با این شکارچی را در ادامه می‌خوانید:

یک قفس بزرگ را به مرغ‌عشق‌هایش اختصاص داده است و در یک قفس دیگر چهار قناری را نگهداری می‌کند. روی پشت‌بام، اتاقکی برای کیوترهایش ساخته است و در حیاط هم یک قفس مخصوص کبک‌هایش دارد.

از او علت به وجود آمدن این علاقه را می‌پرسم که می‌گوید: من همیشه عاشق گشت و گذار در طبیعت بودم و این علاقه را از پدرم به ارث بردم. اولین پرنده‌ای که شکار کردم یک کبک بود و نحوه شکار را پدرم به من آموزش داد. در ادامه با لحنی آمیخته به تفاخر توضیح می‌دهد: «حالا خودم مهارت زیادی در شکار کبک پیدا کرده‌ام. در گوشی همراهم صدای ضبط شده کبک را دارم. آن را در زیر بوته‌ای می‌گذارم و در کمینگاه، منتظر آمدن یک کبک می‌شوم...»

❖ بابت نگهداری این پرنده‌ها چقدر هزینه می‌کنید؟  
❖ بستگی به خود پرنده دارد. اما اغلب پرنده‌هایی که دارم خورد و خوراکشان هزینه بر نیست.  
❖ تا به حال بابت زندانی کردن و شکار پرنده‌ها عذاب وجدان نگرفتید؟

❖ (انگار که پاسخ سوالم را از پیش در ذهنش آماده کرده باشد، بدون مکث جواب می‌دهد) من مجوز شکار دارم و فقط در فصول به‌خصوصی شکار می‌کنم. جوجه‌ها را هم شکار نمی‌کنم. به این پرنده‌ها هم همه‌جوره می‌رسم. دلیلی برای داشتن عذاب وجدان باقی نمی‌ماند.

❖ اما هیچ امکانات و هیچ چیزی جای آزادی را برای یک پرنده پر نمی‌کند!

❖ (انگار که پاسخ این سوال را از پیش در ذهنش آماده نکرده بود، جواب قانع کننده‌ای هم نداشت جز این که بگوید: پس عشق و علاقه من چه می‌شود؟!

در همین پرس و جوها  
به طوطی بزرگ جته‌ای  
برمی‌خورم که رکورد قیمت‌ها  
را می‌شکنند هفت میلیون ناقابل  
ساکت و آرام در بزرگ‌ترین  
قفس یک پرنده فروشی  
نشسته است

کاسکوی عصبی، آن فنجهای پرنجب و جوش، حتی آن طوطی سبزرنگ کوچکی که سرش را پایین انداخته و عادت کرده به تکرار کلمه خوبم، خوبم، خوبم... اما نگاهش چیز دیگری را می‌گوید...

## دو میلیون بده، شاه بوف بگیر!

تصمیم می‌گیرم در نقش یک خریدار، به دنبال جغد بگردم. اغلب فروشنده‌ها با شنیدن درخواستم جا می‌خورند و به من اطمینان می‌دهند که چنین پرنده‌ای را پیدا نمی‌کنم و اگر هم پیدا کنم عاقبتش زندان، شلاق و جریمه‌های نقدی سنگین است. برای یافتن این پرنده کمیاب سری هم به

دنیای مجازی می‌زنم. بازار خرید و فروش اینترنتی پرنده‌ها حساسی داغ است. آیین را با کمی جست‌وجو و مواجه شدن با انبوهی از فروشگاه‌های مجازی برای خرید و فروش پرندگان می‌توان فهمید. انجمن‌هایی هم وجود دارند که مردم عادی در آن پرندگان‌شان را به مزایده می‌گذارند و بر اساس ویژگی‌های مختلف مثل تعداد کلماتی که تکرار می‌کند، سن و... قیمت تعیین می‌کنند. در یکی از این انجمن‌ها به یک آگهی مبنی بر فروش پرندگان گوشتخوار برمی‌خورم و با فروشنده تماس می‌گیرم و می‌گویم که کمیاب‌ترین گونه جغد در ایران را می‌خواهم. فروشنده ابتدا درباره جغد یکسری توضیحات اولیه می‌دهد. مثل این که جغد را در بیابان پیدا کرده، از کودکی آن را پرورش داده و کاملاً رام و به اصطلاح دستی شده است، بزرگ‌ترین گونه جغد در خاورمیانه است و با روزی دو وعده سنگدان مرغ هم سیر می‌شود. قیمتش را هم دو میلیون ناقابل می‌داند. وقتی بر سر قیمتش چک و چانه می‌زنم، می‌گوید: شاه‌بوف یکی از کمیاب‌ترین جغدهای ایران است. به سختی می‌توانید مثل آن پیدا کنید اما اگر مشتری باشید تخفیف هم می‌دهم.

بعد از من درباره محل نگهداری جغد می‌پرسد. تا از باغ شخصی حرف می‌زنم و می‌گویم قصد تشکیل کلکسیون از پرنده‌های خاص را دارم، با اشتیاق فراوان نام کلی پرنده و اسم‌های عجیب و غریب دیگر را می‌آورد که در بین آن‌ها فقط عقاب، شاهین و طاووس به گوشم آشنا می‌آید. قیمت‌ها هم به همان اندازه، نامتعارف به نظر می‌آیند. درباره مجوز این پرنده‌ها که سوال می‌پرسم با اطمینان کامل می‌گوید: هیچ مشکلی پیش نمی‌آید، اصلاً نگران نباشید. من خودم مدت‌هاست در کار خرید و فروش این‌گونه پرنده‌ها هستم. اگر احتیاط کنید هیچ‌کسی به شما کاری ندارد!

بیای قفس‌ها

# ست میله‌ها



## باجازه بزرگ ترها

نکته‌هایی درباره پیش از ازدواج (۱۱۸)

## روزهایی که زیر ذره بین هستید

یک اصطلاحی هست در روانشناسی به نام اثر تقدم؛ که خیلی هم در زندگی روزمره با آن درگیریم و در زندگی و روابطمان و حتی انتخاب‌هایمان اثرگذار است. اولین باری که بایک نفر برخورد داریم و درواقع اولین اطلاعاتی که درباره شخصی به ما می‌رسد، بیشترین اثر را در برداشت‌های کلی مان از او دارد. البته به شرطی که این آمار را خودتان از شخصیت فرد مورد نظر شهود کرده باشید. این می‌شود همان اثر تقدم! در واقع همان شناختی که ما از افراد به دست می‌آوریم مخصوصا در اولین برخورد و دیدار، اثر قدمی است که بر ما دارد. حالا با این پدیده باید به این نتیجه رسیده باشید که اولین دیدار، اولین گفتگو و جلسه‌آشنایی با شخصی که شاید همسر آینده‌تان باشد، چه قدر اهمیت دارد. پس همیشه در اولین‌هایی که پیش رو دارید و در روزهایی که زیر ذره‌بین هستید، سعی کنید چند اصل را رعایت کنید:

### وقت عزیز است غنیمت شمردش حتما!

این یکی از اولین اطلاعاتی است که به طرف مقابل می‌دهید، «وقت‌شناسی» خیلی زود به چشم می‌آید. فرض کنید قرار ساعت ۵ بوده و شما مثلا ساعت ۵ و نیم می‌رسید آن هم بدون هیچ خبری و پیامی. این چه تصویری از شما در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کند؟ پس سعی کنید سر قرارهایتان به موقع برسید و اگر دیدید دیرتر می‌رسید خبر دهید. اگر شخص مقابل‌تان دیرتر رسید زود قضاوت نکنید و اگر در جلسات بعدی تکرار شد، آن وقت می‌توانید حساسیت نشان دهید. وقت‌شناسی هم یک جور وفای به عهد است دیگر، این جوری می‌توانید ببینید چه قدر می‌شود روی طرف حساب باز کرد یا چه قدر مسئولیت‌پذیر است و خیلی چیزهای دیگر! راستی اگر آدم بدقول یا واقعا دیررسی هستید در مورد قرارها، بد نیست در مورد خودتان تجدید نظری داشته باشید، بعد به انتخاب همسر بپردازید.

### دست و رو شسته باشید

آنقدر این دست و رو شستگی روی تصویر اولیه تاثیر دارد، که خدا می‌داند و بس؛ دست کم نگیرید دست و رو شسته بودن‌تان راه حتما دوش بگیرد و دستی به سر و رویتان بکشید و لباس مرتب بپوشید و آراسته و مرتب در جلسات خواستگاری مخصوصا اولین دیدار بروید. لازم نیست خیلی عروس‌وار یا خیلی دامادوار بروید. همین که کشش‌هایتان تمیز باشد و لباس‌تان اتوکشیده، کافی است و البته دندان‌های مسواک زده!

### اندازه نگه‌دار که اندازه نکوست

اندازه نگه‌داشتن در همه چیز خوب است؛ پادتان باشد که اولین برخورد، همیشه بهتر در یادها می‌ماند. حالا اگر این اولین برخورد بر مدار اعتدال و اندازه نگه‌داشتن باشد چه قدر خوبست! اندازه نگاهتان را نگه‌دارید؛ یعنی حواس‌تان باشد که چقدر ارتباط چشمی برقرار می‌کنید و چه جوری، طرف مقابل‌تان نباید از نگاه‌تان معذب شود. نگاه باید شمرده شمرده باشد. زن و مرد هم ندارد. نگاه‌تان باید دقیق باشد تا حدی که چیزی از چشم‌تان دور نماند اما این ربطی به خیره نگاه کردن فرد ندارد. جوری و تاحدی به‌طرف مقابل‌تان نگاه کنید که امنیت را از او نگیرید؛ فقط همین! نه بی‌احترامی نه بی‌حرمتی! اندازه صحبت‌تان را هم نگه‌دارید؛ یعنی حواستان باشد که چه قدر شما حرف می‌زنید و چه قدر سهم طرف مقابل‌تان است. پرحرفی ممنوع، آن هم در جلسه اول!

### مخور غم گذشته، گذشته‌ها گذشته...

فعلا غم گذشته‌ای که داشته‌اید را نخورید و نگران نباشید، اتفاقاتی که برایتان افتاده و یا روابطی که نباید می‌داشتید و داشتید... تعداد ترم‌هایی که مشروط شدید... درمانی که برای پوست‌تان انجام می‌دادید... ازدواج ناموفق برادر‌تان و خیلی چیزهای دیگر! این‌ها موارد ممنوعه‌ای است که در جلسه اول و اولین دیدار اصلا صلاح نیست که مطرح شوند. خودتان هم در زندگی طرف مقابل‌تان تجسس نکنید و سعی کنید در همان حد اطلاعات اولیه صحبت کنید. یاقق...

درمورد سخت‌کوشی و آدم‌های سخت‌کوش چه می‌دانید؟

# دست از طلب ندارم تا کام من بر آید...

به نظر شما چرا عده‌ای از افراد زیر فشار مشکلات و سختی‌های زندگی کمر خم نمی‌کنند و محکم مقاومت می‌کنند و عده‌ای تا بادی بوزد سریع می‌لرزند و ناامید می‌شوند و حتی گاهی دچار بیماری‌های جسمی مثل سکنه قلبی یا قند خون یا بیماری‌های روانی مثل افسردگی می‌شوند؟ دکتر سوزان کوباسا به این سوال ما جواب داده است، البته بعد از تحقیقات زیادی که روی ویژگی سخت‌کوشی کرده است؛ به نظر او سخت‌کوشی از سه جزء تشکیل شده است: تعهد، مبارزه جویی و کنترل. که هر سه این ویژگی‌ها بر باورها و برداشت‌های آدم‌های سخت‌کوش در شرایط سخت و دشوار اثر گذارند و باعث می‌شود آن‌ها مقاومت بیشتری از خود نشان دهند و احتمال بردشان بیشتر شود.

## ۱

### تعهد

در واقع تصور و درکی است که فرد از جنبه‌های مختلف زندگی خود، دیگران و کار دارد. یعنی میزان ارزش و اهمیت و معنایی که به فعالیت‌های زندگی خودش و دیگران می‌دهد. تعهد غایت و هدف زندگی فرد را نشان می‌دهد. شامل نظامی از باورها می‌شود که میزان تهدیدآمیز بودن یک حادثه را برای فرد کم می‌کند. تعهد را معمولا در مقابل بی‌ارادگی یا احساس بی‌کفایتی قرار می‌دهند. یعنی وقتی فردی بی‌تعهد با یک موقعیت تنش‌زا روبه رو می‌شود متاسفانه یا خودش را می‌بازد و درست مثل بی‌اراده‌ها خود را دست حوادث می‌سپارد یا احساس می‌کند به خاطر ناتوانی‌اش کارها را نمی‌تواند پیش ببرد.

### حمیده زمانی

h.zamani@jeemir

## افراد سخت‌کوش چه ویژگی‌هایی دارند؟

را مدیریت کنند. یاد دارند چه جوری هیجانات منفی‌شان را مثلا خشم‌شان را کنترل کنند. مرد روزهای سخت هستند و ترس ندارند؛ در واقع می‌توان گفت آدم‌های سخت‌کوش افراد متوکلی هستند. به نیرویی تکیه دارند که در آن ناامیدی راهی ندارد. یاد گرفته‌اند فشارهای روانی، زندگی‌شان و روابطشان با اطرافیان را تحت الشعاع قرار ندهد و موقعیت‌ها و اتفاقات زندگی‌شان را تحت کنترل دارند. امیرالحال هستند. یعنی بر حالت‌های خودشان و فشارهایی که بر آن‌ها وارد می‌شود و احساساتی که در آن‌ها جریان پیدا می‌کند،

برای اینکه بفهمید شما آدم سخت‌کوشی هستید و میزان سخت‌کوشی‌تان را در آورید بهتر است خودتان را با این ویژگی‌ها محک بزنید: در برابر هر کاری که انجام می‌دهند و هر تصمیمی که می‌گیرند احساس مسئولیت می‌کنند. به خودشان قول می‌دهند تا با یک موقعیت استرس‌زا و سخت‌طوری برخورد کنند و برداشتی داشته باشند که باعث رشد و بالندگی و موفقیت‌شان شود. می‌دانند که سختی‌ها و دشواری‌های زندگی برای همه هست و هر آدمی بالاخره روزهای سختی دارد؛ بنابراین با پیش آمدن شرایط دشوار احساس ناامنی و تهدیدی حس نمی‌کنند و می‌توانند شرایط



## دوندهای سخت‌کوش که آخر شد!

دوی ماراتن بود. المپیک ۱۹۶۸. جمعیت زیادی در ورزشگاه بود. نفرات اول وارد ورزشگاه شدند و جمعیتی بود که برای آنها دست می‌زدند و هورا کشیدند. فلاش دوربین‌های خبرنگاران این لحظات را ثبت می‌کرد. نفرات اول یکی یکی از بلندگو اعلام می‌شدند. جمعیت در حال تشویق و دوندها یکی یکی از راه می‌رسیدند و از خط پایان می‌گذشتند... در طول مسابقه دوربین‌ها بارها نفراتی را نشان داد که از ادامه مسابقه منصرف شدند و از مسیر مسابقه بیرون آمدند. به نظر می‌رسید که آخرین نفر هم از خط پایان رد شده است. داوران و مسئولان برگزاری می‌روند تا علائم مربوط به مسابقه ماراتن و خط پایان را جمع‌آوری کنند جمعیت هم آرام آرام ورزشگاه را ترک می‌کنند. ناگهان از بلندگو اعلام می‌شود که دوندهای هنوز در حال دویدن است. «جان استفن آکواری» است دونده سیاه پوست اهل تانزانیا، که ظاهراً برایش مشکلی پیش آمده، لنگ می‌زد و پایش بانداژ شده بود. ۲۰ کیلومتر تا خط پایان فاصله داشت و احتمال اینکه از ادامه مسیر منصرف شود زیاد بود. نفس نفس می‌زد، احساس درد در چهره‌اش نمایان بود لنگ لنگان و آرام می‌آمد ولی دست بردار نبود. چند لحظه مکث کرد و دوباره راه افتاد. چند نفر دور او را می‌گیرند تا از ادامه مسابقه منصرفش کنند ولی او با دست آن‌ها را کنار می‌زند و به راه خود ادامه می‌دهد. داوران طبق مقررات حق ندارند قبل از عبور نفر آخر از خط پایان محل مسابقه را ترک کنند. جان هنوز مسیر مسابقه را ترک نکرده و با جدیت مسیر را ادامه می‌دهد. خبرنگاران بخش‌های مختلف وارد ورزشگاه شده‌اند و جمعیت هم به جای اینکه کم شود زیادتر می‌شود! بعد از گذشت مدتی طولانی، آخرین شرکت کننده دوی ماراتن به ورزشگاه نزدیک می‌شود، با ورود او به ورزشگاه جمعیت از جا برمی‌خیزند چند نفر در گوشه‌ای از ورزشگاه شروع به تشویق می‌کنند و بعد انکار از آن نقطه موجی از کف زدن حرکت می‌کند و تمام ورزشگاه را فرا می‌گیرد... غوغایی برپا می‌شود. خبرنگاران در خط پایان تجمع کرده‌اند. جان استفن از خط پایان عبور می‌کند و روی زمین می‌افتد. سخت‌کوشی آن روز جان استفن و تعهدش به قولی که به مردم تانزانیا داده بود، او را تا خط پایان کشاند و تیت‌یک تمام روزنامه‌های آن زمانش کرد! دوندهای که آخر شد...



رسیدن به مقصد و هدف‌تان ۶۰ بار شکست بخورید و مجبور شوید راه را دوباره از اول بروید این کار را می‌کنید؟ می‌دانید سخت‌کوشی چه فوایدی برایتان دارد؟ اگر می‌خواهید بدانید چه طور می‌توانید شما هم سخت‌کوش باشید با ما همراه باشید...

سخت‌کوشی یعنی... روان‌شناسان می‌گویند هاردینس، جان سختی، سرسختی. همه این‌ها به معنای سخت‌کوشی است. شما فرد سخت‌کوشی هستید، اگر بتوانید از توانایی‌ها و مهارت‌هایتان برای ارزیابی شرایط و فشارهای زندگی‌تان استفاده کنید و در نتیجه آن‌ها را تفسیر و تجزیه و تحلیل کنید و راه حل مناسبی برای مسائل و فشارهای زندگی‌تان به دست آورید.

### ۲

#### مبارزه‌جویی

یعنی فرد شور و شوق زیادی برای زندگی کردن دارد و تغییرات و شرایط دشوار را هیجان‌انگیز و جالب می‌داند. تغییرات را تهدید نمی‌داند بلکه فرصتی می‌داند برای رشد بیشتر در زمینه‌های فردی و اجتماعی. در واقع با روحیه مبارزه‌جویی که دارد، موقعیت‌ها را به چالش می‌کشد و انعطاف زیادی از خودش نشان می‌دهد که این انعطاف‌پذیری او را مرد روزهای سخت می‌کند. برای کسی که مرد مبارزه باشد روزهای شبیه به هم کسالت‌آورند و به نظرش روزی که در آن اتفاق جدیدی برای حل کردن و اندیشیدن نباشد، همان دیروز است که امروز هم تجربه‌اش می‌کند.

### ۳

#### کنترل یا مهار

یعنی فرد آن قدر توانایی دارد و به استقلال رسیده است تا بتواند بر شرایط اثر بگذارد و شرایط زندگی‌اش را به دست بگیرد، نه این‌که خودش را قربانی شرایط کند. با روحیه کنترل و مهارپذیری، فرد این باور را دارد که تجربه‌های زندگی قابل پیش‌بینی و کنترل‌اند و هر چیزی که در روند زندگی برای آن پیش بیاید حتما می‌شود برای آن راهی پیدا کرد. حادثه‌هایی که در زندگی پیش می‌آیند یا قابل پیش‌بینی‌اند که می‌شود از قبل برای آن‌ها فکر و برنامه‌ریزی کرد یا آن‌چنان جدید و غیر مترقبه‌اند که فرد سخت‌کوش با اتکا به قدرت کنترلی‌اش می‌تواند بهترین راه حل مسئله را بیابد.

تیمور لنگ را یادتان هست؟ در کتاب‌های ادبیات حکایتی از آن را داشتیم که شاید بارها و بارها شنیده باشید. حکایت تیمور و مور! قصه از این قرار بود که تیمور در یکی از جنگ‌هایش شکست سختی خورده بود و در فرار به خرابه‌ای پناه می‌برد، ناگهان چشمش به یک مورچه می‌افتد که در حال بالا رفتن از دیوار خرابه بود و دانه‌ای به دوش داشت؛ به انتهای مسیر نرسیده دانه از دوشش می‌افتد و مورچه خم به ابرو نمی‌آورد و دوباره بر می‌گردد و از اول دانه را بر می‌دارد و القصه! یادتان هست که مورچه حدود ۶۰ بار این مسیر را رفت و آمد تا توانست دانه‌اش را به خانه ببرد! مورچه داستان تیمور لنگ، از آن تیپ شخصیت‌های سخت‌کوش بود. حالا شما مثل مور داستان تیمور سخت‌کوش هستید یا نه؟! یعنی اگر برای



احاطه دارند و آگاهند. همین آگاهی در مورد حال و هوایشان باعث می‌شود که در برابر بادهای سخت هم نلرزند و پا پس نکشند!

در شرایط سخت حواس‌شان به اطرافیان‌شان و انتظارات‌شان هم هست و هم از درونیات خودشان خبر دارند. سعی می‌کنند هر دو را کنترل و مدیریت کنند.

یاد گرفته‌اند که برای باورها و ارزش‌ها و مهارت‌های خودشان ارزش قایل باشند. برای همین سخت جانند و سخت تلاش!

با سازگاری بیشتری زندگی می‌کنند. یعنی به جای غرغر کردن در شرایط سخت زندگی، انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری بیشتری از خودشان نشان می‌دهند. برای همین کمتر در برابر شرایط استرس‌زا مریض می‌شوند و به لحاظ روحی آسیب نمی‌بینند.

راحت‌تر می‌توانند تصمیم بگیرند و چاره‌جویی کنند و راه حل مناسبی برای مشکلات و موانع سد راهشان پیدا کنند.

ثابت شده که سلامت روان‌شان بیشتر از افراد دیگر است.

هیچ وقت خودشان را قربانی شرایط نمی‌کنند و شرایط را آن‌طور که

به نفع‌شان و رشدشان هست، تغییر می‌دهند.

آستانه تحمل‌شان فوق‌العاده بالاست. الکی غصه و غم نمی‌خورند و الکی از چیزی رنج نمی‌کشند. الکی خودشان را درگیر مسایل نمی‌کنند.

حواس‌شان هست که سخت‌کوشی را با زیاد کار کردن و سخت کار کردن اشتباه نگیرند. سخت‌کوشی با بالا بودن ساعات کار متفاوت است. هر چند که گاهی لازم است برای رسیدن به هدفی بیشتر وقت گذاشت. افراد سخت‌کوش برنامه‌ریزی دارند برای ساعات زندگی‌شان و برای تک‌تک لحظه‌هایشان ارزش قایلند.

هدف داشتن و برای رسیدن به هدف تلاش کردن، جزو جدایی‌ناپذیر افراد سخت‌کوش است.

همیشه انگیزه دارند و نیروهای محرکه خودشان را برای تحمل شرایط سخت می‌شناسند.

ناامیدی و دلسردی در آن‌ها راهی ندارد و علاوه بر خودشان دیگران را هم امیدوار می‌کنند و برای دیگران می‌شوند نیروی محرکه‌ای برای حرکتی مداوم!

خوش‌بین‌اند. نگاهشان به زندگی مثبت است برای همین هم دست از تلاش برای رسیدن به هدف‌شان بر نمی‌دارند.



«پلاتون لیدی» که رئیس بانک «مئاتیپ‌مسکو» بود، دست به اختلاس بزرگی زدند. این دو نفر در سال ۲۰۱۰ به اتهام اختلاس، پولشویی و فروش غیر قانونی ۲۱۸ میلیون نف (چیزی در حدود ۱۲۰ میلیارد دلار) از سوی دادگاه مسکو محکوم شدند.

\$65.000.000.000



## برنارد مدوف

«برنارد مدوف» صاحب چندین شرکت و رئیس غیراجرائی بورس وال استریت در آمریکا بود و در سال ۲۰۰۸ به جرم اختلاس دستگیر شد. گفته می‌شود اختلاس مدوف بزرگ‌ترین کلاهبرداری در تاریخ وال استریت بوده است. مدوف کلاهبرداری‌هایش را از طریق تقلب در بازار سرمایه و ارائه مدارک تقلبی انجام می‌داد. پس از دستگیری، مدوف با وثیقه آزاد شد اما قاضی دستور داد تا در خانهاش تحت مراقبت ویژه باشد. دهم مارس ۲۰۰۹ مدوف در دادگاه به ۱۱ اتهام از جمله جرم امنیتی، پولشویی، استراق سمع و دزدی از کارمندان به منظور سود رسانی به خود متهم شد و قاضی دادگاه او را به ۱۵۰ سال زندان محکوم کرد.

\$35.000.000.000



## محمد سوهار تو

«محمد سوهار تو» رئیس جمهوری اسبق کشور اندونزی بود. وقتی رسوایی مالی او برملا شد، مجبور به کناره‌گیری از قدرت شد و سرانجام در سن ۸۶ سالگی از دنیا رفت. اختلاس‌های مالی سوهار تو زمانی فاش شد که مجله «تایم آسیا» دارایی خانواده سوهار تو را ۱۵ میلیارد دلار پول نقد، سهام، شرکت‌های بزرگ، املاک، جواهرات و آثار هنری اعلام کرد. از کل این دارایی مبلغ ۹ میلیارد دلار در یک بانک استرالیایی سپرده شده بود. از همه مهمتر این‌که نام سوهار تو در لیست رهبران فاسد ثبت شده بود و گفته می‌شد که او در طول ۲۲ سال حکومتش میلیی بِنِین ۱۵ تا ۳۵ میلیارد دلار اختلاس کرده است. او این اختلاس را تحت نام شرکت‌های مختلف انجام داده و همه این مبلغ را در سرمایه‌گذاری‌های خانوادگی سپرده‌گذاری کرده بود. در سال ۲۰۰۰، دادگاهی برای محاکمه وی تشکیل شد اما وکیل مدافع سوهار تو اعلام کرد که به نظر پزشکان، موکش در وضعیت جسمی مناسبی به سر نمی‌برد و از این رو دادگاه در ۲۶ مارس ۲۰۰۸، اگرچه قاضی دادگاه مدنی، سوهار تو را از این اتهام تبرئه کرد اما وی را به پرداخت مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار محکوم کرد.



به مقامات فیلیپینی بازگردانده شدند.



## پای شهرداری در میان است

در اواسط دهه ۷۰ «غلامحسین کرباسچی» که شهردار تهران بود، به اتهام فساد مالی به پای میز محاکمه کشیده شد. او متهم به جابجایی مبلغ ۸۷ میلیون تومان به نفع خود و مبلغ ۴۴۰ میلیون تومان به نفع دیگران بود. سرانجام وی به ۲ سال حبس و ۱۰ سال انفصال از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی و استرداد وجوه محکوم شد. کرباسچی همچنین به دلیل تضییع سه و نیم میلیارد به ۴ سال حبس و ۶۰ ضربه شلاق نیز تعلیقی محکوم شد.



## از دست‌فروشی تا فساد مالی

«شهرام جزایری‌عرب» که فعالیت خود را از دست‌فروشی شروع کرده بود در سال ۸۱ و در سن ۲۹ سالگی به اتهام فساد اقتصادی دستگیر شد. ایجاد و تأسیس حدود ۵۰ شرکت مختلف بازرگانی، برداشت‌های غیر قانونی به دفاعات مختلف، جعل اسناد، از جمله کیفر خواست نماینده مدعی العموم بود. شهرام جزایری به ۱۱ سال حبس تعزیری، رد مبلغ ۴۸ میلیون دلار آمریکا به بانک ملی و صندوق ضمانت صادرات، پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر مبلغ فوق به صندوق دولت و محرومیت از فعالیت بازرگانی و نیز محرومیت از اخذ هر گونه تسهیلات بانکی اعم از ریالی و ارزی به مدت ۱۰ سال محکوم شد. جزایری چندی قبل پس از اتمام دوران محکومیتش از زندان آزاد شد.



## فساد بزرگ ۱۲۳

«فاضل خداداد» بازرگان ایرانی بود که به اتهام تبانی با کارمندان بانک صادرات ایران و ۱۲۳ میلیارد تومان اختلاس از این بانک (معروف به اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی) در سال ۱۳۷۴ به اعدام محکوم شد. او نخستین مجرم اقتصادی اعدامی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران و رکورددار اختلاس تا شهربور ۱۳۹۰ در ایران بود. گفته می‌شد که فاضل خداداد توانسته بود با چک تضمینی به مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان از بانک صادرات وام‌های کلان بگیرد.



## صفرهایی که امیر خسروی آفرید!

«مَها آفرید امیر خسروی» که با نام امیر منصور آریا نیز از وی نام برده شده، در شهریور ۱۳۹۰ به اختلاس معروف به ۳ هزار میلیارد تومانی متهم شد، که گفته می‌شود بزرگ‌ترین اختلاس تاریخ ایران بوده است. اتهام‌های وارده به او شامل موارد زیادی از جمله خرید کارخانه‌های مختلف با رشوه و تخلف، خرید زمین با قیمت‌های متری ۱۶ ریال در کیش، تأسیس باشگاه ورزشی، تأسیس شرکت‌های مختلف و ساختمانی که نهایتاً به تأسیس یک بانک ختم می‌شود. او دویست و نودمین فرد ثروتمند جهان بود که به اتهام اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در سال ۱۳۹۰ بازداشت شد. وی به دلیل جرم‌های مختلف در نظام پولی کشور، در سوم خردادماه ۱۳۹۳ اعدام شد.

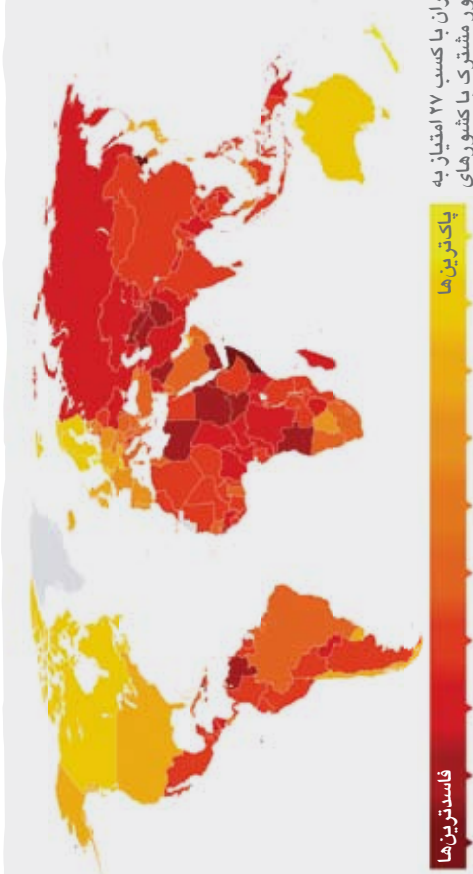




سطح کشف فساد در بخشهای عمومی در

۱۷۵ کشور جهان  
شاخص کشف فساد

این آمار توسط سازمان شفافیت بین المللی (Transparency International) منتشر شده است. این سازمان نهادی است عام المنفعه، که با هدف مبارزه علیه فساد در نهادهای دولتی کشورهای مختلف جهان برپا شده است و در همین راستا سالانه گزارشی را بر پایه ارزیابی فساد دولتی در کشورهای جهان منتشر می کند. این سازمان گزارش های سالانه خود را بر پایه سنججهایی از جمله بررسی مدیریت دولتی در کشورها، شرایط دسترسی شهروندان به خدمات عمومی، ساختار حقوقی و قضایی حاکم در کشورها، موقعیت بخش خصوصی، اختلاس، رشوه گیری، خرید و فروش پست های دولتی، رشوه پذیری دستگاه قضایی، فساد مالی در میان سیاستمداران و مقام های دولتی، عدم مقابله کافی با ناکارایی در پیکار علیه مواد مخدر و غیره تهیه می کند. این سازمان که پیش از آن در برلین آلمان قرار دارد هم اکنون در پیش از ۱۰۰ کشور جهان فعالیت داشته و بودجه خود را از راه کمک های مالی نهادهای شرکت ها و نهادهای گوناگون اجتماعی و دولتی به دست می آورد.



فاسدترین ها

پاک ترین ها

| امتیاز | نام کشور    | رتبه |
|--------|-------------|------|
| ۱۸     | اریتره      | ۱۶۶  |
| ۱۸     | لیبی        | ۱۶۶  |
| ۱۸     | ازبکستان    | ۱۶۶  |
| ۱۷     | ترکمنستان   | ۱۶۹  |
| ۱۶     | عراق        | ۱۷۰  |
| ۱۵     | سودان جنوبی | ۱۷۱  |
| ۱۲     | افغانستان   | ۱۷۲  |
| ۱۱     | سودان       | ۱۷۳  |
| ۸      | کره شمالی   | ۱۷۴  |
| ۸      | سومالی      | ۱۷۴  |

۱۰ کشور آخر

۱۰ کشور اول

ایران با کسب ۲۷ امتیاز به طور مشترک با کشورهای کامرون، روسیه، قزاقستان، لبنان و نیجریه، از بین ۱۷۵ کشور بررسی شده در این گزارش در رتبه ۱۳۶ قرار گرفته است.

\$8.000.000.000

ژرژم کرویل



یکی از جوانترین کلاهبرداران تاریخ بانکداری جهان «ژرژم کرویل» است که در زمان بازداشت فقط ۳۱ سال داشت. این تاجر او به زندان نزدیک به یک دهه برای بانک سوئیت زئرال کار کرد، او در سال ۲۰۰۸ به اتهام پنهان کاری و استفاده غیر قانونی از منابع بانک سوئیت زئرال به اختلاس ۸ میلیارد دلاری متهم شد. تعدادی از روسا و همکاران قبلی کرویل علیه او در دادگاهی در پاریس شهادت دادند و در نهایت او به زندان محکوم شد. او مدعی بود که مقامات بانک به خاطر نبوغی که در او دیده بودند دستش را باز گذاشتند و اقدامات صورت گرفته زیادی به بانک رسانده است؛ با این حال مدیران بانک می گویند کرویل خود سرانه عمل می کرده و آن ها از پنهان کاری های او هیچ اطلاعی نداشته اند. ناگفته نماند که کارشناس مالی تر دید زیادی دارند که یک کارمند جوان بتواند در یکی از بزرگترین بانک های اروپا چنین اختلاس عظیمی را ترتیب دهد.

\$8.000.000.000

رابرت آلن استنفورد



«رابرت آلن استنفورد» موسس گروه مالی و بانک بین المللی استنفورد است. در سال ۲۰۰۹ این میلیارد ۶۱ ساله اهل تگزاس آمریکا به اتهام کلاهبرداری هشت میلیارد دلاری روانه زندان شد. با توجه به اتهامات وارده، بانکداری استنفورد بر پایه کلاهبرداری هرمی بوده و رشوه های کلانی داده است. رابرت استنفورد در ورزش کریکت شهرت فراوانی دارد و با همین اختلاس ها در این ورزش سرمایه گذاری زیادی انجام داد تا جایی که در سال ۲۰۰۶ نوزدهمی نام با کریکت

۲۰/۲۰ استنفورد» بزرگزار شده است.

\$12.000.000.000

مو بو تو سن سکو



بین المللی پول را برای متاع شخصی خود هزینه کرد. این در حالی بود که تمام این کمک ها را به اسم دولت و مردم دریافت می کرد اما در عمل با سوء استفاده از مقامش و قریب افکار عمومی، ۱۲ میلیارد دلار اختلاس کرد.

\$10.000.000.000

فریدیناند مار کوس



«فریدیناند مار کوس» از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۶ رئیس جمهور فیلیپین بود. گفته می شود که «ایملدا مار کوس» همسر این رئیس جمهور ۲ هزار جفت کفش

در خانه اش داشت. در طول ۲۰ سال ریاست

جمهوری، مار کوس و همسرش، ۱۰

میلیارد دلار پول اختلاسی کردند

و همه این اموال را در بانک های

# بزرگ ترین باخت اختلاس های جهان

\$120.000.000.000

میخائیل خوروفسکی



«میخائیل خوروفسکی» مدبر عامل سابق، یک شرکت نفت، روس، بود. او به همراه شرکانش



علیرضا خورسندی



ایمان فروزان پنا

# چند تا صفر داریم؟! داشتیم به بزرگترین فسادهای مالی در جهان و ایران به بهانه فساد مالی ۱۲ هزار میلیاردی، نگاهی

فکم باز مانده و چشم هایم از حدقه بیرون زده! شروع می کنم به شمردن یک، دو، سه، چهار، پنج؛ اصلا ۱۲ هزار میلیارد چند تا صفر داره؟ اگر جزو آن دسته از افرادی هستید که چندان پیگیر اخبار نیستند و اصلا نمی دانند جریان این ۱۲ هزار میلیارد چیست؛ باید بگویم که این عدد، رقم یک فساد مالی جدید در همین کشور خودمان است! فساد که اگر چه جایش گرفته شده، اما نشان دهنده رخنه های بزرگ در نظام پولی و بانکی کشور است. به همین مناسبت در این دو صفحه به بررسی بزرگ ترین فسادهای اقتصادی جهان و ایران پرداخته ایم.



## جادوگر شهر از ۱۹۳۹ - ویکتور فلمینگ

دختری به نام دوروتی که در ایالت کانزاس زندگی می‌کند، بر اثر گردباد به سرزمین اعجاب‌آور از برده می‌شود. او باید به دیدن جادوگر شهر از برود تا بتواند به منزل خود بازگردد. در بین راه او با مترسک بی‌مغز، آدم آهنی بدون قلب و شیر ترسو آشنا می‌شود که آن‌ها نیز هریک آرزویی دارند. این فیلم موزیکال به احتمال خیلی زیاد مشهورترین و قدیمی‌ترین فیلم کریسمسی تاریخ سینما است، فیلمی که شاید داستان آن ربطی به سال نوی میلادی نداشته باشد اما از آن‌جا که یک فیلم محبوب کودکان است، برای بیش از هفت دهه است که هر سال در هنگام کریسمس از تلویزیون به نمایش در می‌آید. جادوگر شهر از در حال حاضر با امتیاز ۸.۱ از ۱۰ در رتبه ۱۹۰ از ۲۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما از نگاه کاربران پایگاه اینترنتی IMDb قرار دارد.

## زندگی شگفت‌انگیزی است ۱۹۴۶ - فرانک کاپرا

چه زندگی شگفت‌انگیزی، داستان یک بانکدار ناامید به نام جورج بیللی را روایت می‌کند که می‌خواهد در آستانه سال نو به زندگی خود پایان بدهد اما وقتی با یک فرشته نگهبان دیدار می‌کند فرشته به او می‌فهماند که منشاء چه تغییری در جهان بوده است. فرشته‌ای که او را نجات داده، به او نشان می‌دهد که زندگی اطرافیانش بدون وجود بیللی چقدر بی‌رمق و یکنواخت می‌شود. به این شکل است که در همان روز و شب کریسمس، جورج که به واسطه مشکلات مالی حاصل از ورشکستگی به فکر خودکشی افتاده است، بار دیگر به انسان‌ها دل می‌بندد و به زندگی بر می‌گردد. این فیلم از آن‌جا که جزو الهام بخش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما قرار گرفته است از سال ۱۹۴۷ به این سو در هر سال نوی میلادی از تلویزیون پخش می‌شود و جالب این‌جاست که پس از گذشت نزدیک به هفت دهه هنوز هم میان مخاطبان محبوب است. این فیلم سینمایی در حال حاضر با کسب امتیازی معادل ۸/۷ از ۱۰ در رتبه بیست‌وششمین فیلم برتر تاریخ سینما از دید کاربران پایگاه اینترنتی IMDb جای گرفته است.



مروری بر تعدادی از برترین فیلم‌های کریسمسی تاریخ سینما

# هدایای بابانوئل برای سینما

این روزها دنیا متأثر از سال نوی میلادی است. تعدادی فیلم در فهرست بلند بالای تاریخ سینمای جهان وجود دارد که تحت عنوان مشهورترین فیلم‌های کریسمسی تاریخ شناخته می‌شوند. این فیلم‌ها در بعضی موارد آن‌قدر محبوب و شناخته شده هستند که پخش مجدد آن‌ها از تلویزیون در سالروز عید مسیحیان جهان به یک سنت تبدیل شده است به طوری که برخی از آن‌ها حتی در دهه‌های متوالی از تلویزیون پخش شده‌اند. با توجه به پیش رو بودن جشن سال نوی میلادی، قصد داریم مروری داشته باشیم بر محبوب‌ترین و مشهورترین فیلم‌ها و کارتون‌های کریسمسی تاریخ سینما.

علی نیک‌فرجام

a.nikfarjam  
@jeemir

ذهن زیبا



تقدیر نه در رمل نه در کاسه‌ی چینی‌ست  
آینده‌ی ما دورتر از آینه‌بینی‌ست  
ما هرچه دودیم، به جایی نرسیدیم  
ای بابا! سرانجام تو هم گوشه‌نشینی‌ست  
از خاک مرا برد و به افلاک رسانید  
این است که من معتقدم: عشق زمینی‌ست

فاضل نظری  
۱۳۵۸



راه که می‌روم، مدام بر می‌گردم  
پشت سرم را نگاه می‌کنم  
مدام!  
دیوانه نیستم؛  
محبوبم را پشت سر گم کرده‌ام...

رسول یونان  
۱۳۴۸



هرگز دلم ز کوی تو جایی دگر نرفت  
یکدم خیال روی توام از نظر نرفت  
جان رفت و اشتیاق تو از جان به در نشد  
سر رفت و آرزوی تو از سر به در نرفت

عبید زاکانی  
۷۷۲-۷۰۱ ه.ق



گر ز حال دل خبر داری بگو  
ور نشانی مختصر داری بگو  
مرگ را دانم ولی تا کوی دوست  
راه اگر نزدیک‌تر داری بگو

مولانا  
۶۷۲-۶۰۴



## درباره فیلم طنزی که روایتی است از ترور مرد اول کره شمالی «مصاحبه» ای که جهان را بحرانی کرد!

می‌کند) شرکت سونی را تهدید کردند که در صورت اکران فیلم، نه تنها اطلاعات محرمانه به دست آورده را منتشر می‌کند، بلکه اقدامی به هولناکی ۱۱ سپتامبر بر ضد کشور آمریکا انجام خواهد داد. شرکت سونی ابتدا شهر نیویورک را از جدول اکران فیلم حذف کرد ولی سپس به دلیل انصراف تعداد دیگری از پخش کنندگان فیلم که با تهدید حمله به سینماهایشان روبه‌رو شده بودند، تا حدودی قید اکران فیلم ۴۴ میلیون دلاری‌اش را زد. انصراف از اکران

در روزهای کریسمس ۲۰۱۵ خبر می‌دادند، ۲۴ نوامبر سال ۲۰۱۴ شبکه رایانه‌ای مادر شرکت سونی توسط گروهی که خود را نگهبانان صلح می‌نامیدند هک و اطلاعات محرمانه شرکت سونی توسط این گروه دزدیده شد. نگهبانان صلح هم گویا منتسب به کره شمالی هستند (هرچند کره شمالی دخالت در این ماجرا را تکذیب

ترور رهبر کره شمالی آموزش می‌دهد. آن‌چنان سخت نیست تا به کمک همین داستان سه خطی فیلم هم حدس زد که فیلمی با این سناریو منفورترین فیلم تاریخ کره شمالی لقب خواهد گرفت و این کشور تمام تلاش خود را خواهد کرد تا اکران فیلمی که در آن رهبر کشورش ترور می‌شود لغو شود. در حالی که شرایط از اکران ویژه فیلم کمدی مصاحبه با بازی جیمز فرانکو و ست روگن



کشور آمریکا، خبرنگاران با چهره‌های مختلف به مصاحبه می‌پردازند. حالا نوبت کیم جونگ اون رهبر کره شمالی است تا سوژه این هفته برنامه باشد. سازمان سیای آمریکا دو خبرنگاری را که وظیفه انجام مصاحبه را بر عهده دارند به عنوان عوامل

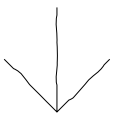
فیلم هالیوودی «مصاحبه» این روزها با اتفاقات عجیبی مواجه شده، ماجرای فیلم از این قرار است که در یک برنامه تلویزیونی

علیرضا گرانپایه

a.geranpaye  
@jeemir

## جاکتابی

معرفی يك يار مهربان، يك كتاب



## روایت عشق و تراژدی

❖ ویلیام شکسپیر، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس مشهور انگلیسی، متولد نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی است. بسیاری او را با نمایش‌نامه بسیار مشهورش «هملت» می‌شناسند. شاید به خاطر آن که پای این نمایش‌نامه به دنیای سینما هم باز شده است. اما شکسپیر، به‌زعم بسیاری از ادبا، بهترین نویسنده انگلیسی زبان است و صاحب تراژدی‌های بی‌نظیری که با گذشت سالیان دراز هنوز ادبیات خود را وامدار آن‌ها می‌داند. «اتلو»، «مکبث»، «شاه‌لیر»، «تاجر ونیزی»، «رومئو و ژولیت» و «ژولیوس سزار» در زمره مشهورترین تراژدی‌های اوست. ❖ «اتلو»

نمایش‌نامه‌ای تراژدی - عاشقانه است که از بهترین و روان‌ترین آثار او به شمار می‌آید. اگر چه خوانش متن زبان اصلی اثر - علی‌رغم زیبایی شاعرانه آن - برای بسیاری غیرممکن و غیر قابل‌فهم است، اما مطالعه ترجمه مطمئن و استادانه «م. به‌آذین» خالی از لطف نخواهد بود. به‌ویژه برای کسانی که در برنامه مطالعاتی خود به فکر خواندن آثار تأثیرگذار در ادبیات جهان هستند.

❖ داستان اتلوی مغربی، ماجرای عشق دختری اشراف‌زاده به نام دزدمونا است که خواستگاران فراوان دارد اما دل‌آور مردی سیه‌چرده از اهالی مغرب، به نام اتلو و شندین ماجراهای سرشار از رشادت و انسانیت او، دختر را شیفته وی می‌کند. اما داستان تنها یک روایت عاشقانه نیست بلکه ماجرا با یک روال بسیار گزنده و درگیرکننده با تراژدی در هم می‌آمیزد و قصه اتلو و دزدمونای او به صورتی دردناک به پایان می‌رسد. شکسپیر مفاهیمی چون عشق، حسد، ریاکاری و تملق، دهان‌بینی و تیردلی و خشم را هم‌زمان و استادانه به تصویر می‌کشد.

❖ شکسپیرخوانی می‌تواند تجربه منحصر به فردی باشد تا ما را با دنیای وسیع و زیبای ادبیات جهان پیوند دهد. از سوی دیگر رمان‌ها و نمایش‌نامه‌های مشهور بسیاری مستقیم یا غیرمستقیم وامدار آثار او هستند، تا جایی که درک آثار شکسپیر، به درک اشارات یا معنای مستتر در دیگر آثار ادبی جهان کمک بسیاری خواهد کرد.



عنوان اتلو | نویسنده ویلیام شکسپیر  
مترجم: م. به‌آذین | ناشر آتیه

مردی است که سال قبل از ساخته شدن قطار سریع‌السیر قطبی یا فیلم «دور افتاده» و سال‌های قبل از آن با مجموعه فیلم‌های «بازگشت به آینده» اسمش را بر سر زبان‌ها انداخته بود. قطار سریع‌السیر قطبی به قدری عالی ساخته شده و در یک دهه پیش آن‌چنان از آخرین یافته‌های فناوریانه سینمایی بهره گرفته است که هنوز هم پس از یک دهه، دیدنی به نظر می‌رسد. این انیمیشن که با بهره‌گیری از حرکات واقعی شخصیت‌های انسانی، آن‌ها را با همان شکل و شمایل به دنیای انیمیشن برده است، روایت‌کننده سفر پسرپچه‌ای به قطب شمال است. این سفر که با قطار اسرارآمیز قطبی انجام می‌شود از دل جنگل‌ها و رودخانه‌هایی طی می‌شود که در نهایت زیبایی تصویر شده‌اند و برای مخاطبشان چیزی از هیجان و سرگرمی کم نگذاشته‌اند.

### چند سوال ساده

در این نوشتار کوتاه تنها موفق شدیم تا فقط تعدادی از بهترین‌های فهرست بلند بالای فیلم‌ها و کارتون‌های کریسمسی را به شما دوستان معرفی کنیم اما بدانید که این فهرست خیلی طولانی‌تر از این حرف‌ها بوده.

احیانا سوالاتی در ذهنتان ایجاد نشود؟ شاید شما هم مثل ما از خودتان می‌پرسید که پس فیلم‌های ایرانی با حال و هوای نوروز کجا هستند؟ چند فیلم با حس و حال نوروز و شب یلدا داریم؟ آیا کارتون مشهوری داریم که ما را به یاد روز درختکاری‌مان بیندازد؟ کدام فیلم کودک و نوجوان هست که یادآور جشن روز طبیعت (سیزدهم فروردین) باشد؟ اگر شما از میان سوالات پیش آمده برای ما پاسخی به ذهنتان می‌رسد به ما هم بگویید!



روحانی (افشین هاشمی): این خارجی‌ها هم عقل شون خوب کار می‌کنه.  
دکتر (مسعود رایگان): حیف که جاشون تو جهنمه.  
روحانی: نه این جورام نیست. هر چیزی دو رو داره. یه روش اون چیزیه که ما می‌بینیم. اما اصل اون چیزیه که تو دل آدم می‌گذره. مثلاً همین کویر ظاهرش یه چیزه باطنش یه چیز دیگه، شما بهشتش رو بین...

خیلی دور خیلی نزدیک / رضا میرکریمی



شاید شما هم مثل ما از خودتان می‌پرسید که پس فیلم‌های ایرانی با حال و هوای نوروز کجا هستند؟ چند فیلم با حس و حال نوروز و شب یلدا داریم؟ آیا کارتون مشهوری داریم که ما را به یاد روز درختکاری‌مان بیندازد؟

میان آثار بزرگ سینمایی ماندگار شد که پس از گذشت نزدیک به سه دهه و تغییر حداقل دو نسل از کودکان جهان، هنوز با امتیازی معادل ۸ از ۱۰ در پایگاه IMDb هنوز محبوب و مشهور باقی مانده است.

### تنها در خانه

۱۹۹۰ و ۱۹۹۲ - کریس کلمبوس

در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲ دو قسمت از این مجموعه به کارگردانی کریس کلمبوس و بازی مکالی کالکین ساخته شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. کوین پسرپچه‌ای در یک خانواده پرجمعیت است که به طور کاملاً اتفاقی از سفر خانوادگی به پاریس جا می‌ماند و خانواده‌اش زمانی متوجه نبودن کوین می‌شوند که کار از کار گذشته است. حالا پسرپچه تنها مانده است و خانه‌ای بزرگ و ناامن و دو دزد ناشی و کم‌عقل که می‌خواهند به منزل آن‌ها دستبرد بزنند اما با مانع بزرگی به نام کوین زنگ و باهوش روبه‌رو می‌شوند که با استفاده از ذهن خلاقش دزدان بیچاره را به بدبختی و بیچارگی می‌اندازد. این فیلم زیبا و سرتاسر هیجان در دو نسخه اول چنان موفق شد که ۴ دنباله سینمایی دیگر و ۲ بازی ویدئویی براساس ماجراهای فیلم ساخته شد؛ ستاره دوست‌داشتنی تنها در خانه بعد از شرلی تمپل، موفق‌ترین بازیگر کودک تاریخ سینما لقب گرفت اما هرگز نتوانست از زیر سایه نقش کوین بیرون بیاید و به بازیگر بزرگی تبدیل بشود.

### قطار سریع‌السیر قطبی

۲۰۰۴ - رابرت

زمنه کیس

کارگردانی این کارتون اعجاب‌انگیز و الهام‌بخش بر عهده



غافل از حال دل، ترسم که این ویرانه را دیگران بی صاحب انکارند و تعمیرش کنند خط آزادی بود مشق جنون در ملک عشق هر که عاقل می‌شود اینجا به زنجیرش کنند

صائب تبریزی

۱۰۸۰-۱۰۴۰ ه.ق

## سرود کریسمس میکی ۱۹۸۳ - برنی متینسون

بر اساس رمان «سرود کریسمس» چارلز دیکنز که در سال ۱۸۴۳ نوشته شده است تا کنون ده‌ها فیلم و کارتون ساخته شده است اما مشهورترین نسخه از میان این ده‌ها مورد، همان کارتون «سرود کریسمس میکی» محصول سال ۱۹۸۳ کمپانی دیزنی است که «داندل داک» مشهور در نقش آقای اسکروچ خسیس و بد اخلاق ظاهر شد و بارها از تلویزیون خودمان هم پخش شده است. داستان این کارتون ماجرای آقای ابنیزر اسکروچ خسیس و بدجنس را می‌گوید که در ایام کریسمس، تنها و عصبانی در خانه کاخ ماندنش می‌ماند و به همه اظهار می‌کند که از کریسمس و تمام رسم و رسوم مرتبط با آن متنفر است. اما ماجرا زمانی عوض می‌شود که روح شریک سابقش که او هم مرد خسیس و تنگ نظری بوده به سراغش می‌آید و آینده تاریک و وحشتناک زندگی پیرمرد را به او نشان می‌دهد. این کارتون زیبا به احتمال زیاد برای کودکان ایرانی دهه ۶۰ شمسی بسیار خاطره‌انگیز باشد چون سالی چند بار از تلویزیون پخش می‌شد و باید اعتراف کنم که هر بار هم مانند دفعه قبل جذاب و دوست داشتنی بود.

### کاپوس پیش از کریسمس

۱۹۹۳ - هنری سیلک

فیلمنامه این کار را تیم برتون نوشته و همه می‌دانیم حاصل همکاری هنری سیلک و تیم برتون قطعا یک کار فانتزی دیدنی است. این کارتون عروسکی اعجاب‌انگیز که با شیوه بسیار دوست داشتنی «بست حرکتی» ساخته شده است ماجرای شهری خیالی به نام «هالووین» را روایت می‌کند که تنها شغل ساکنان عجیب و غریب این است که در سالروز جشن هالووین مردم را به بهترین شکل ممکن بترسانند. اوضاع داستان زمانی عوض می‌شود که جک (سلطان این شهر) به شهر کریسمس می‌رود و تصمیم می‌گیرد روند تکراری زندگی خود را عوض کند؛ او ابتدا بابائول را زندانی می‌کند و سپس مسئول برگزار کردن جشن کریسمس می‌شود اما فاجعه زمانی رخ می‌دهد که این بابائول ترسناک، هدایایی ترسناک به بچه‌ها می‌دهد و آن‌ها را می‌ترساند. این کارتون ۷۶ دقیقه‌ای به قدری در



ای جلوه برق آشیان سوز تو را ای روشنی شمع شب‌افروز تو را زان روز که دیدمت شبی خوابم نیست ای کاش ندیده بودم آن روز تو را

رهی معیری

۱۳۴۷-۱۲۸۸ ه.ش

فیلم توسط شرکت سونی با انتقادهای فراوان سینماگران و منتقدان هالیوود مانند جورج کلونی همراه بود. حواشی پیرامون «مصاحبه هم کار را به جایی رساند که باراک اوباما در آخرین نشست مطبوعاتی خود در سال ۲۰۱۴ از مسئولان شرکت سونی به دلیل عقب نشینی انتقاد کرد و عنوان کرد در زمان خودش پاسخ حمله سایبری و تهدید گروه نگهبانان صلح را خواهد داد. بالاخره فشارهای وارد بر شرکت سونی جواب داد و این کمپانی بار دیگر

خبر از اکران فیلم در سینماهای محدود منتشر کرد. اما در کنار اکران فیلم که با استقبال فراوان مخاطبان همراه بود، سونی برای اولین بار دست به ریسک بزرگی زد و همزمان با اکران عمومی یک فیلم نسخه دیگری را برای خرید از سایت‌های اینترنتی در بازار منتشر کرد. حالا در گوگل پلی، سایت سونی، مایکروسافت و ... می‌توان با پرداخت تقریباً ۱۵ دلار فیلم را خرید یا با ۵ دلار فیلم را برای ۴۸ ساعت کرایه کرد. به هر حال سونی با این کار نشان داد، به

هر شکلی که شده است می‌خواهد پای فیلم «مصاحبه» بایستد و حتی حاضر است برای این کار ضرر اقتصادی اکران خاص آن را هم متحمل شود. حالا باید دید نگهبانان صلح چه واکنشی به این اقدام سونی نشان خواهند داد و اکران یک فیلم زمینه یک بحران جهانی را فراهم می‌کند یا نه؟





پایال دنیا چه خبر است

# پایال و اسپیکال دو کنفوش

دوره‌اند که جور بیشتر ورزش‌ها را کشیده‌اند و بسیاری به واسطه‌ی دیدن نت‌ها لذت بردند اما حالا که بازیکنان کشورمان با پیشرفت‌های متفاوت به لحاظ حرفه‌ای از فوتبال عم نمی‌آورند و اشتباه نیست اگر بگویند که کشور «سری‌آ» جهان در این لیگ حضور دارد. کوبا، ایتالیا، بلژیک، فرانسه، آلمان و...

مازدار حکای  
mhakkak  
@jeemir

و آمریکا در لیگ‌های منطقه و در برابر لیگ‌های اروپایی ناکتیک در نیم می بازی همان کشور تیمی که اتفاقاً ششاسه در رند و بانندی اصلی کشور هم آن کشور دارند. مثلاً در روسیه ناکتیک این کشور هم دفاع روی تور است که نیم ملی این کشور مسابقات از همین ناکتیک بهره می برد.

**شاخ ترین لیگ های**

پیش لیگ های ا نسیم بهن س

لیگ‌های اروپایی در حوالی لیگ خودمان

به اندازه س...  
و این که بهترین  
یک «پودین» لای  
کشورهای فرانسه، ترکیه هم  
خوب اروپاست. ترکیه این  
شخصی دارد که البته این  
این کشور لای...  
مسافت یک...  
و به یار خود  
۳ یاری این

در سال  
به پیدایش یک  
مکان «جهانگیر ایگ»  
رومان جالب است  
شخص این مسافرات از سال  
۱۹۵۸ قدمت دارد و برعکس  
فوتبال که قهرمانیها بیشتر در  
اختیار اسپانیاست را دارند و تیم روسها  
بیشترین عناوین را درخشان ترین تیم این  
رقابتهاست؛ البته قهرمانی پر افتخارترین تیم این  
مختلف نظیر موطن، اسپانیایی، رونا و  
ترنینو بعد از روسیه صاحب بیشترین  
این قهرمانی است.

ی دارد و غیر از آلمان هیچ  
کشور دیگری در تیم ملی  
سابقه‌های خوبی در این مسابقات  
ندارد. در بیشتر این مسابقات  
آلمان به طور مبالغه‌آمیز در هفته

متولد ۲۸ مهر ۱۳۶۴  
قد ۱۸۹ سانتی متر  
افتخارات طایا مسابقات آسیایی  
اینچئون، نقره مسابقات  
آسیایی گوانگژو، بهترین  
پاسور لیگ جهانی ۲۰۱۴

سعید معروف برای ما از سال ۸۹ و بازی سوم در جام جهانی ۲۰۱۰ برابر ایتالیا معروف شد. جایی که تیم ملی با درخشش خوب توانست ۲ ست را از ایتالیا بگیرد و تنها در ست پنجم و در امتیازات

پیرامون لژیونر شدن کاپیتان محبوب تیم ملی والیبال  
بمب ترکانی به سبک معروف!

سعید معروف ستاره دوست داشتنی والیبال‌مان با پیوستن به تیم روسی بمب نقل و انتقالات والیبال‌ی شد. او برای دو فصل بازی در تیم روسی مبلغ یک میلیون یورو می‌گیرد که با در نظر گرفتن هر یورو ۴۳۰۰ تومان به عبارتی ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون می‌شود. رقمی که شاید آرزوی خیلی از فوتبالیست‌ها هم باشد.

پایانی بازی را از دست داد. در همان امتیازات پایانی «معروف» با «ولاریو ورمگلیو»، کاپیتان تیم ملی ایتالیا که از بازی بچه‌های ایران عصبانی شده بود درگیری لفظی پیدا کرد، درگیری بعد از پایان بازی جدی‌تر هم شد و معروف را سر زبان‌ها انداخت.



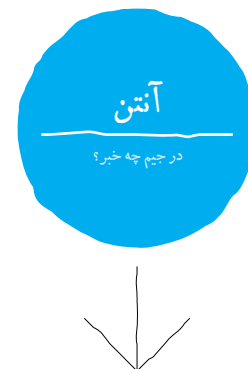
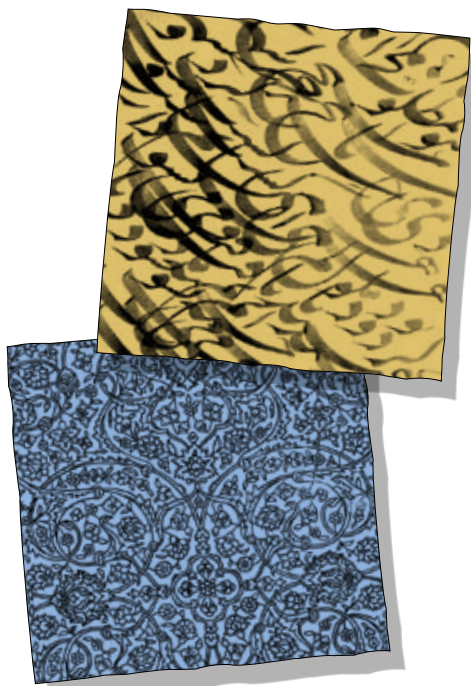
اینچئون،  
آسیایی گ  
پاسور لیگ

Saeid  
Marouf





تتر روی جلد جیم چهل و سه شماره پیش این است: محمدجواد ظریف به مثابه یک رسانه. در متن موضوع ویژه، تسلط او به قواعد جهانی دیپلماسی، امکانات، رسانه‌های شبکه‌های مجازی و زبان انگلیسی ستایش شده است. چهره او در آن روزها جلد مجلات را قرق کرده بود. مجله‌های روشنفکری که جای خود. جلد مجلات خانوادگی که معمو با عکس هنرپیشه‌ها و ورزشکارها را روی جلد می‌نزد، عمو او را کار می‌کردند. محبوبیت ظریف علاوه بر توانمندی‌های تخصصی‌اش در فضای دیپلماتیک به نحوه مواجهه او با رسانه‌ها و به مروت می‌شد. همین‌طور به فیزیک جسمی‌اش و لبخند همیشگی و آراستگی پوشش ظاهری. حدود یک سال از آن روزها گذشته است و ما که به خیال خودمان با بهترین‌ها وارد یک معرکه جهانی شده بودیم، عکس‌العمل‌های چندان خوشایندی ندیدیم. اما این‌ها به شان و مرتبه و تلاش ما ربطی ندارد. به لبخندهای ظریف و خوش طبعیتی‌اش هم. اجزاء چهره او آن قدر در چشم مخاطب ایرانی تکرار شده بود که چاپ دوباره عکس‌های او روی جلد ظرف چندان‌تی نداشت. در عوض اشاره‌های کوچک گرافیکی به آرایش صورت و مدل عینک و لبخندش همه را یاد همانی می‌انداخت که باید ببیناز. نقشه ایران با محوریت چهره گرافیکی او به نقشه جهان وصل شد. با واسطه شبکه‌های اجتماعی اینترنتی. اسلمی و سیاه‌مشق نستعلیق در فرم ریز سفید و موهای سرش گریزی بود به تعلقات شخصی‌اش. او نسبت به فرهنگ و هنر بدنی، ابران.



سلام بر جیم خوانان عزیز. به طور کلی شرایط کنونی شما از دو حالت خارج نیست: یا سربازی رفته‌اید یا سربازی نرفته‌اید، اگر سربازی نرفته‌اید ۵ حالت وجود دارد، یا دختر تشریف دارید، یا فوتبالیست تشریف دارید، یا از شرایط معافیت استفاده کرده‌اید، یا از شرایط پیچانند استفاده کرده‌اید و یا اصلاً سن‌تان به این چیزها قد نمی‌دهد! اما اگر سربازی رفته‌اید تنها ۲ حالت وجود دارد یا مثل ما خدمت کرده‌اید یا مثل «محمد.الف. شرکت.الف» اگر مثل ما خدمت کرده‌اید پیشیندهای کم‌آنتن را بخوانید چون از شدت سوخکی تا چند روز نمی‌تواند چهارزانو بنشیند!

یادم می‌آید زمانی که ما به خدمت سربازی مشرف شدیم، شرایط به گونه‌ای بود که کلا سرباز باید اذیت می‌شد تا مرید شود و قدر داشته‌ها و نداشته‌هایش را بداند. مرخصی وجود خارجی نداشت مگر در شرایط التهاب طواری اواسر اتو. تازه یک شب در میان هم‌گهانی داشتیم، طوری شده بود که یک دست‌مان خمپاره انداز ۶۰ و یک دست‌مان آرپی‌جی ۸۰ بود، یا یک کوله پر از نارنجک، یا در رکاب تانک می‌دویدیم و با عینک دید در شب به رصد منطقه صحت حفاظت خود می‌پرداختیم. آن‌هم در شرایطی که سینه‌ها یک کف دست نان و کافور و ناهار هم یک پیاله آتش خورده بودیم و قبل از صرف غذا، انواع و اقسام بنشین و باشوها، یا مرغی، یا شتری، کلاغ‌پر، ملخ‌پر و سینه خیز را نوش جان کرده بودیم!

اما حالا این دوست عزیزمان که نامش پیش ما محفوظ است هم مثلاً به خدمت سربازی رفته است. آقا از صبح تا ظهر مثل یک عدد مدیرکل واقعی به محل خدمتش می‌رود و سپس از ظهر تا پاسی از شب در جیم به گشت‌زنی مشغول است! ظاهر! غذای سربازی به هوش ساخته‌چون در این مدت کم، کمی به پهنایش افزوده شده است. البته از حق نگذریم کارش در محل خدمتی‌اش خیلی سخت است. وظایف طاقت فرسا و مسئولیت‌های سنگینی چون خوردن صبحانه، انجام بازی والیبال، خواندن کتاب و ... تنها بخشی از کارهای اوست و گرنه خواب قیلوله در کتابخانه خود به تنهایی عذاب‌آور است! اگر زبانم لال هنگام خوردن صبحانه، لقمه‌ای بدون هماهنگی به گلویش برود چه کسی جوابگو است؟ باز شما بیخفته‌ها زمان ما آش می‌دادند که ابکی بود و به گلو گیر نمی‌کرد!

۱۴۴۸... ۹۹۱۵  
جیم، شل بودن میخی باعث افتادن نعلی شد...  
وقتی نعل افتاد اسبی به زمین خورد... وقتی اسب زمین خورد  
سواری سقوط کرد... سوار که سقوط کرد لشکری شکست خورد  
و این‌ها همه به خاطر آن کسی بود که میخ را درست نگوبیده  
بود.

◀ آخ ... آخ! ای کاش زودتر می‌گفتی در قسمت خالی‌بندی‌های سربازی‌ام می‌گفتم من همون سوار کاره بودم!

۰۹۱۵...۰۲۹۴ جیم امتحانات نزدیکه و متوجه شدم که جزوه ندارم، با جزوه کپی اصلا حال نمی‌کنم، نظر تو برام خیلی با ارزشه بگم چه باید کرد؟ با سپاس بکران (حمه)

زنگ بزن به استادات بگو جزوه رو برات با خودکار رنگی و خوش خط بنویسه، جاهایی هم که می‌خواد سوال طرح کنه رو ستاره بزنه. اگه قبول نکرد، بگو آشنای صدام...

۰۹۱۵...۴۴۶۵ جیم. دعای خانومم: خدایا به من عشق بده تا به شوهرم محبت کنم. صبر بده تا تحملش کنم اما قدرت نده که من زخم لیش من کنم! نسیان آری ...

❖ **خدا یا به این عزیز دل مقداری پول بده حداقل رنگ ماشینش رو عوض کنه ...**



Jeem.ir

این روزها یا اینکه خیلی‌ها  
درگیر درس و مشق هستند؛ ولی  
نویسنده‌های پرکار سایت جیم  
بدجوری در حال ارسال مطالب هستند  
و صف انتشار مطالب حسابی  
طولانی شده است. حتی شایعه شده  
است که کاربران جان در سایت اعلام  
کرده‌اند که حاضرند کل جیم را هم  
از مطالبشان بپر کنند. اصلاً ما از  
این همه حق نوشتن و فرهیخته  
بودن اشک روی چشمان حلقه زد و  
تصمیم گرفتیم بر آفاق محو شویم...



نویسنده:  
k\_shamshiri  
از اول که این شکلی  
نمودم من!

خارجی که به ایرانی توش بازی کرد  
باید سیاست‌های غلط خارجی رو نشون  
بدهد کمپ ایکس ری به خوبی نشون داد  
زندانیان هاشون چقدر وحشی هستن و  
با وجود این‌که خشن‌ترین آما رو دارن،  
هستن آدمی‌که احساس تو وجودشون  
هست هنوز. و من حرفاشونو اصلا سطحی  
ندیدم... فاطمه ۲۰ ساله.

جیم، حواسمون باشه دل دما شیشه نیست که روی اون «ها» کنیم بعد با انگشت قلب بکشیم بعد وایستیم آب شدنش رو تماشا کنیم و کیف کنیم، روی شیشه نازک دل دما اگه قلبی کشیدی باید مروونه پاش واستی. (ریحانه حسنینا از برچند)

جیم، دندان آبی، چه واژه جالبی! مثلاً می‌خوام به کلیپی رو که اسمش دندان آبییه رو بلوتوث کنم به دوستم، هی رفیق دندان آبی رو واست دندان آبی کردم، جالبه نه، من برم از چند تا استاد تنک یو کنم و پیام خن.

جیم - لېڅندت را به هر قیمتی خریدارم:  
زیاد نخندی که هزار تومن بیشتر ندارم!

◀ سلام جیمی. صد سال تنهایی مارکز را خوانده‌ای؟ سررنگ اورلیانو بوییندیا مثل سرکرده داعش بوده. (جوچ)

🔵 جملہ اول گزارش «فارسی زوری» این  
میشہ: «دوست دارم به آینده‌هایی فکر کنم

که با بالگرد خودم، از خونه به پاساژهای  
خودم میرم و اسپری های گرون قیمت به  
خودم می زنم و یک عالمه محافظ دارم  
که منو همراهی می کنن... وای که چه  
فانتهای ها، با حال دارم من!!

برگ می‌خوردم و پامو ورزمان می‌دادم،  
دندان آبی رایانک مالشی‌ام را روشن کردم  
تا فیللم آیزبدان رو بگیرم؟

جیمی منم چشمام سگ داره ^\_^  
ولی سگش خسته است... می‌فهمی؟ خسته!  
(محدثه)  
۰۹۳۵...۳۱۸۴

❏ **جیمیا بیان جمع ششین این نیسان آبی**  
رو هل بدیم از جیم بندازیم بیرون؛ بجاش یه  
وانت پراید سفید و خوشگل بیاریم تو جیم؟  
خودمو میگم! نیسان آبی خیلی وقته اومده  
وسط اتوبان حم دوله یارک کرده..!

جیم. در مورد مطلب گزارش‌تون به روز استادمون گفت تو امتحان ریاضی شرکت کرده که سوالاش به زبان کاملاً فارسی بود... پیکش این بوده: بهم پرس بهم نرسی را در همه گردی تپانده‌ایم... آخه این از زبون باکو میایم سخت تره :-)

سلام جیم واقعا برای شما متأسفم  
که همش از ورزش و فوتبال می‌نویسین.  
نمی‌دونم این ورزشی که چسبیده به زندگی  
ما کدوم مشکل مردم مارو حل میکنه؟

**پیچ** سلام، بعله حق با شماست این بازیکنان از ستاره های تیم ملی آمریکا هستند که جام جهانی حضور نداشتند. ولی باور کن نمی‌خواستیم بگیریم خیلی بلدیم فقط یک اشتباه بوده:

**مازیار حکاک**

❖ واسه جیم، پایان نامه مثل همیشه فووق العاده! مررررسی؛ (قابل توجه بعضی آنتن نوسا!)

جیمبو باہات مخالفم. مگہ ہر فیلم

🔵 **جمیمان سلام.** من مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی است. گزارش «فارسی زوری» تان غیر علمی و عوامانه بود. پیشترها نادانی موجب سرافکندی بود اکنون باعث گستاخی است. علت مهم برخی نامانوس‌های معادل‌ها هم گرفتاری است. نابی‌نوسی، به ما چه که معنی ماوس درست موش است!

جیمی این نیسان آبی از فک و فامیلای  
کدومتونه که هر هفته پیامکش چاپ میشه  
ولی پیامکای من نه؟ (مازراتی قرمز!)

جیمی، طعم ارزونی چه مزه‌ایه؟ ما که  
نچشیدیم، به نظرت مزه کدوم میوه اس؟  
۰۹۱۵...۷۲۱۹

جیمی، مصاحبات با پرسنوی حرف  
نداشت. کاش از رضا مارمولک  
می‌پرسیدی.

🔵 سلام جیمی جون مطلب شاخ هفته تون درباره من یک زنم عالی بود واقعا! حرف دل ما خانوماست اگه شوهری به سادگی زنش توجه کنه، زنی دیگه خودشو هفت رنگ نمیکنه، البته ناگفته نمونه مرد هم مردای قدیم غیرت داشتن.

جیم شما یادتون نمیاد یه توالیایی بود به صورت نوزنقه، خودش اینجا بود سوراخش نزدیک هسته کره زمین! لامصب توئل وحشتی بود واسه خودش...

🔵 وای جیمی این معادل‌سازی کلمات  
عالی بود! یعنی الان بخوام بگم: وقتی که  
چیپس می‌خوردم و پام رو ماساژ می‌دادم،  
پلوتوث تبلتم رو روشن کردم تا فیلم  
آکواریم رو ببگیرم، باید بگم: «وقتی که



## تابلوی آبی

صفحه اصلی - محرمانه - پادداشت کاربران  
تاریخ انتشار: ۹۳/۱۰/۰۲

درب خانه را پشت سرم می‌بندم و برای آغاز یک روز جدید با احتیاط پا به خیابان می‌گذارم. یک روز جدید که قرار است قسمت دیگری از سریال زندگی‌ام باشد اما طبق معمول با یک تیتراژ تکراری آغاز می‌شود.

آقا علی در حال بالا دادن کرکره مغازه است. پدر خواب آلود و بی‌حوصله منتظر رسیدن سرویس مدرسه دخترش. شاگردهای مکانیکی دود سیگار را به آسمان می‌دهند و دو برادر خوشبختی که سر کوچه باتری فروشی دارند مشغول واکس زدن کفش‌هایشان هستند و طبق عادت هر روزشان درون مغازه اسپند دود کرده‌اند. من هم هر بار بدون کم و کاست تحلیل و تصورات تکراری‌ام را از سر می‌گذرانم تا به مقصد برسم. یکی از بخش‌های این تیتراژ تکراری، پیرزنی است که هر روز قبل از آخرین لحظه‌ای که وارد شلوغی خیابان اصلی شوم جلوی من ظاهر می‌شود. یک پیرزن درشت اندام با مانتوی قهوه‌ای بلند و چهره‌ای جذبی. او در حالی که روسری سیاهش را محکم به سرش بسته و انتهای آن را زیر چانه‌اش مچاله کرده، مشغول جارو زدن زمین آسفالتی رو به روی خانه‌اش است. بیشتر مواقع پیرزن را خمیده و مشغول جارو زدن می‌بینم. گه گاهی نیز قامت راست می‌کند تا از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر برای جارو زدن حرکت کند.

خوب تا اینجا شاید برای شما یک پیرزن عادی باشد. اما نه! باید بگویم که پیرزن با حساسیت فوق‌العاده‌ای به نظافت و غبار روبی پیاده‌رو می‌پردازد. با ظرافتی که گویی صورت کودک شش ماهه‌ای را تمیز می‌کند و با کیفیتی که انگار مهمان رودربایستی داری قرار امتحان بیا. بعد از هر بار جارو زدن، سنگ‌هایی را که من با چشم مسلح به عینکم نمی‌بینم با دست از زمین بر می‌دارد و به سطل زباله می‌اندازد. اگر رنگ زمین به سیاهی دلخواهش نباشد با پشت چهار انگشت دستش آنقدر آن نقطه را می‌ساید تا دلش راضی شود. بارها دیده‌ام که حتی سطح باغچه توی خیابان را هم جارو می‌زند! بعد از ظهرها هم که همان مسیر را به سمت خانه باز می‌گردم هنوز پیرزن به کار خود مشغول است.

جارو جارو جارو و باز هم جارو... با خودم می‌گویم حتماً پیرزن تنه‌است و به وسواس هم دچار است. نتیجه می‌شود این که هر روز صبح تا شب ۵۰ متر پیاده‌رو را ۵۰ بار جارو کند تا حدی که رنگ از رخسار زمین ببراند و چیزی غیر از این نیست. با همین فکرها از کنار پیرزن عبور می‌کنم و در حالی که حواسم هست قدم‌هایم موجبات آلودگی پیاده‌رو را فراهم نکنم از او دور می‌شوم.

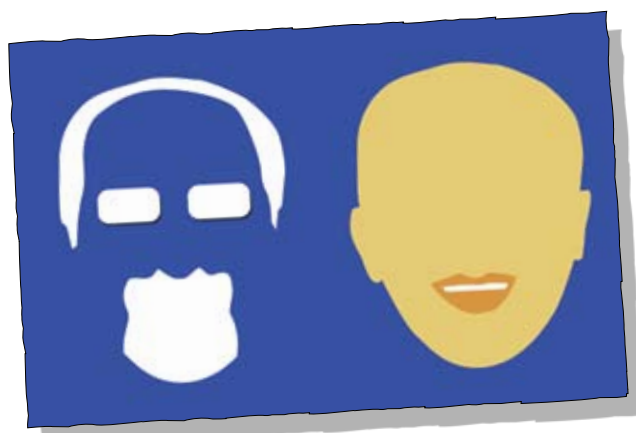
خواندن اسم خیابان از روی تابلوی آبی شهرداری هم از کارهای تکراری هر روز من است. اسم خیابان ما نام یکی از مفقودالائراهای جنگ است. هر روز با خودم می‌گویم که علت انتخاب این اسم این بوده که خانواده آن مفقودالائرا احتمالاً همین نزدیکی‌ها زندگی می‌کرده‌اند یا شاید هم زندگی می‌کنند.



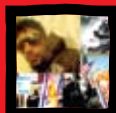
سید مصطفی صابری

smsaberi  
@jeemir

سلام و خدا قوت، من یک مخاطبم و دارم راجع به مطلب شما فکر می‌کنم. ذهنیت من این است که چون مطلب با عنوان «محرمانه مستقیم» نوشته شده پس لابد قرار است راجع به یک اتفاق روز جامعه موضع گیری داشته باشند، اما وقایع نگاری شما که حاوی جزئیات جالبی است بیشتر شبیه بریده‌ای از یک رمان است تا یادداشت. حالا فرض می‌کنم محرمانه مستقیمی در کار نیست و باید مطلب را با جنس خودش قضاوت کرد، این طوری ارتباط بیشتری با مطلب برقرار می‌کنم به خصوص پایان‌بندی‌اش، اما وقتی در پایان به آن چه روایت شده فکر می‌کنم از خودم می‌پرسم آیا آن همه مکت در ابتدای مطلب و توصیف آن چه ذهن را به سمت اصل مطلب هدایت نمی‌کند لازم بود یا فقط می‌خواستید نشان بدهید توصیفات دقیق از عهده قلم‌تان برمی‌آید؟ هر کدام باشد مطلب شما حس خوب و صمیمی و پایان دلچسبی داشت اما...



## جدیدترین در انجمن



آغاز شده توسط:  
م-نص  
خود درگیری  
ذهنت چیه؟



آغاز شده توسط:  
ali۰۰۷  
هم‌نواایی با کدوم  
آهنگ جذابه؟



آغاز شده توسط:  
s\_m  
بزرگترین آرزوی  
محال من!



پیشنهاد شده:  
hossein\_raoof  
پخش مسابقات فوتبال  
با کیفیت پایین



پیشنهاد شده:  
Erfan\_۶۹  
بررسی حریفان در بازی‌های  
جام ملت‌های آسیا

## جدیدترین سوژه‌ها

S M S : 2 0 0 ۹ ۹

(البته بلانسیت) که بچه‌ها مونو لوس کنیم نه مثل هشتادایا لوسیم که به بچه هامون بی توجه باشیم. نسل میانه رو که میگن اینه - زنده باد هفتادایا...  
۰۹۳۹...۴۹۲۲

سلام جیم! امروز که رفتم روزنامه بخرم یه شوک اساسی بهم وارد شد، هر چی روزنامه رو زیر و رو کردم خبری از جیم نبود! با لحن طلبکارانه‌ای به فروشنده گفتم آقا این‌که جیم نداره یه خراسان دیگه بده آقاهه نیش‌خندی تحویلیم داد و گفت: خانم روزنامه‌های خراسان اون طرفه اون‌وی که دستتونه قدسه! یعنی فقط می‌خواستیم از خجالت بمیرم!  
۰۹۱۵...۹۱۳۶۰

جیم، در تکمیل کمیک باید بگم بعضی‌ها مثل خروس صبح زود پا میشن، بعدشم مثل اسب می‌خورن و میرن سر کار، مثل ... کار می‌کنن و میان خونه همون سر شب مثل مرغ می‌خوابن!  
۰۹۱۵...۷۶۰۹

سلام جیم. در مورد این «فارسی زوری» چرا فرهنگستان از کلمات عامیانه خود مردم برای کلمات خارجی استفاده نمی‌کنه؟ مثلاً ما به بوفه می‌گیم گنجه. یا به دراور می‌گیم آینه کمد. یا به فایل می‌گیم پوشه. یا به یخچال ساید بای ساید می‌گیم یخچال دوقلو.  
۰۹۱۵...۳۳۱۴



جیم. خدا بگم چیکارش کنه اون‌وی که پیامک داده بود منفی «دارم میرم» چی میشه. یک روز کامل مخم درگیر بود. خانم فکر کرد خل شدم. (داود باغستانی سبزواری)  
۰۹۱۵...۸۵۶۲

جیم. به سید مصطفی بگین گربه نره نه گربه کوره، واقعا که اون از باب اسفنجی شلوار مربعی اینم از گربه کوره بلد نیستی خوب اسم کاراکترها رو نبر.  
۰۹۱۵...۴۴۶۵

ای جیم عزیز که سر و ته پیام رو مثل هویج می‌زنی، بازم خیالی نیست اما این برند ملی نیسان آبی رو چرا از آخر پیام حذف می‌کنی؟  
۰۹۱۵...۴۴۶۵

جیم. اگه خواستی پیامک منو بچایی بغل نیسان آبی نچایی که ممکنه بماله به ماشین MG مشکی بدون رنگ من.  
۰۹۱۵...۸۵۶۲

مهجور!!! باز اومدم و یه دفعه ازت تعریف کردم. این هفته حلقه رندانه‌ات سه تا مشکل داشت: ۱- سوراخ موش نداشت. ۲- خنک بود. ۳- ما ترک‌ها به مادر میگیم «آنا»... ترکی بیلیمیره!  
۰۹۱۵...۸۵۵۹

جیم. یه وانم نداریم توش خودکشی کنیم خیلی کلاس داره، عثلن یه وزی!  
۰۹۱۵...۲۴۳۸

اتفاقا جیمی به جای آکواریوم، آبزیدان خیلی قشنگ‌تره! بعدشم سحر نیکو عقیده چرا همه گیر دادن به کلمه‌های انگلیسی؟! به فرهنگستان بگین یه وقت فکر نکنه که کل زندگی‌مون عربی ورداشته‌ها...  
۰۹۱۵...۲۸۱۰

جیم، عجب پدر و مادری بشیم ما دهه هفتادایا! نه مثل دهه شصتی‌ها عده‌ای هستیم

جیم میشه از خانم حمیده زمانی خواهش کنم در مورد سن ازدواج مطلب بنویسند؟  
۰۹۱۵...۰۳۲۸

جیم، دختره اسمشو نوشته یش یش یش) میگم یعنی چی، میگه احمق یعنی ستایش (۳ تا یش) خدایا منو بکش! (شهرزاد از کاشمر)  
۰۹۱۵...۷۰۲۲

در پاسخ به درخواست صفحه گزارش برای جمله‌سازی با کلمات کاملاً فارسی: «امروز مردی را دیدم سوار بر چرخکش در پیاده‌روی چارباغ خوشاب می‌فروخت، وای که چقدر رخ جوش داشت.»

جیم جان!!! چقدر تصویر روی جلد این هفته زشت بود. البته ببخشینا... یک کمی سلیقه خرج بدین به جایی بر نمیخوره...  
۰۹۱۵...۴۲۲۱

سلام جیمی جونم. متن ادبی خانم عرفان نظر آهاری توی سستون ذهن زیبا خیلی قشنگ بود. لطفاً بیشتر بچاپ. (قاصدک)  
۰۹۱۵...۳۱۸۴

جیم، جان من تو که اطلاعات نداری چرا الکی یه چیز می‌نویسی که به ما هم بلدیم! آخه اصلاً کوبی برایانت و لبرون جیمز تو جام جهانی شرکت نکردن که تو میگی «با کمک آن دو سستاره صربستانو شکست دادن» خب قبل از این‌که بخواین مطلب بنویسین یه تحقیق کنین لااقل! (امیرحسین از شیروان)  
۰۹۱۵...۰۹۶۵

جیمی گزارش این هفته عالی بود، ترکیدم از خنده، به نظرت منم واسه ساز و برگم اجاق بخرم یا پای خانواده داماده؟! (((حذیث خانوم)))





مدیر مسئول روزنامه خراسان: محمدسعید احدیان  
دبیر جیم: سید محسن اسدی

۱۶  
جایزه

مکتوب پستی  
۹۱۷۳۵۵۱۱  
شماره تماس  
۳۷۶۱۷۰۰۰  
پست  
۲۰۰۰۹۹۹

jeem.ir  
jeem@jeem.ir

چشمه هفتگی جوان  
روزنامه خراسان

سید مصطفی حسینی

s.m.hosseini  
@jeem.ir

## آنچه که فرهنگستانی‌ها می‌گویند و آنچه که ما چه می‌فهمیم!



## پایان نامه

## دم بختی‌ها و معیارهای جدید

خراسان رضوی برای سومین سال متوالی بر سکوی نخست طلاق کشور قرار گرفت. اینجانب ضمن عرض تبریک به زوج‌های کاردار و پنیسری و ایضا چنگال و سرشسیری برای ثبت این رکورد ملی، امیدوارم حداقل در مقیاس‌های آسیایی و جهانی شاهد افتخار آفرینی این عزیزان نباشیم. آمار بالای طلاق نشان می‌دهد که اشکالات اساسی در زمینه ازدواج وجود دارد، از جمله این‌که باید در معیارهای انتخاب همسر بازنگری کلی انجام شود. لطفاً اگر تصمیم به ازدواج دارید به این معیارها توجه کنید.

### معیارهای انتخاب همسر برای پسران

۱- چک کنید که دختر مورد علاقه‌تان سرمایه‌ای است یا گرمایی: فراموش نکنید که آتش عشق ظرف ۲۵ روز اول فروکش می‌کند و اگر زبانم لال همسرتان سرمایه‌ای باشد و از شعله بخاری کنده نشود، آن‌چه شما را از هم جدا می‌کند البته که قبض گاز است.

۲- به جای شمردن صفرهای حساب بانکی پدر زن آینده، دندان‌های کرم خورده دختر خانم را بشمارید: هر چند در قباله ذکر نمی‌شود ولی به محض جاری شدن نکاح، تمام هزینه‌های دندان‌پزشکی زوجه به عهده زوج خواهد بود. در ضمن به وعده‌های گفته شده برای بیمه شدن خدمات دندان‌پزشکی هم توجه نکنید، خیلی‌ها بوده‌اند که روی حساب این وعده‌ها ازدواج کرده‌اند و حالا پله‌های دادگاه خانواده را بالا و پایین می‌روند!

### معیارهای انتخاب همسر برای دختران

۱- قبل از هر راه دادن خواستگاران، به پسری که زیر بار مهریه «۱۴۷ دریاچه فاضلاب» نرود، فکر هم نکنید! چشم بسته می‌گویم که مرد زندگی نیست!

۲- قد بلند و چهارشانی برای هیچ‌کسی آب و نان نشده است: پسری که سه شانه داشته باشد ولی بتواند سه کیلو گوجه بخرد، به ز پسری چهارشانه است که جرات نکند از مقابل سبزی فروشی ممد آقا رد شود!

⚠️: ظاهراً این روزها دریاچه فاضلاب خیلی قیمتی شده طوری که در ۶ ماهه نخست امسال ۲۳۸ دریاچه فاضلاب در مشهد به سرعت رفته است.

سعید براند

s.brand  
@jeem.ir

## اولین سری از کتابهای کمیک استریپ شاهنامه فردوسی



تلفن سفارش: ۰۵۱-۳۷۰۰۹۱۹۰ و یا پستک عدد ۴ به شماره ۲۰۰۰۹۹۹  
ارسال رایگان در مشهد



خراسان  
انتشارات موسسه فرهنگی هنری خراسان  
(پیشرو نمایندگی فعال از سرسبز کشور)